

## تجربه حکومت‌داری حزب عدالت و توسعه ترکیه و جریان‌های اخوانی در مصر و تونس؛ الگوی واحد، تجربه‌ای متفاوت

مصطفی قاسمی\*

دکترای روابط بین الملل دانشگاه اصفهان، m.ghasemi59@yahoo.com

### چکیده

**هدف:** بعد از به قدرت رسیدن جریان‌های اخوانی در مصر و تونس (بعد از تحولات عربی ۲۰۱۱)، رهبران و مقامات آن‌ها، از حزب عدالت و توسعه ترکیه به‌عنوان یک تجربه حکومت‌داری موفق و الگوی حکومتی خود نام بردند. هدف از این مقاله، مقایسه الگوپردازی اخوان مصر و تونس از حزب عدالت و توسعه ترکیه به‌منظور بررسی علل موفقیت یا شکست آن‌ها در این الگوپردازی است.

**روش:** بر همین مبنا مقاله حاضر با روش مقایسه‌ای و ابزار کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این پرسش است که به‌رغم الگوپردازی جریان‌های اخوانی در مصر و تونس از حزب عدالت و توسعه ترکیه، چرا هرکدام از آن‌ها حکومت‌داری متفاوتی را تجربه کردند؟

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، انحصارگری یا مشارکت دادن سایرین در قدرت، رویکرد تعاملی یا تقابلی با ارتش، موفقیت و عدم موفقیت در اقتصاد و بهبود رفاه و معیشت مردم، از عوامل مؤثر الگوپردازی موفق یا شکست اخوان تونس و مصر از حزب عدالت و توسعه ترکیه می‌باشند.

**نتیجه:** اخوان المسلمین مصر، به دلیل اتخاذ سیاست‌های نادرست در خصوص عوامل فوق‌الذکر، در کنار شرایط محیطی که بر آن تحمیل شد، درنهایت بعد از گذشت یک سال، توسط ارتش از قدرت ساقط شد، اما النهضه تونس با الگوپردازی نسبتاً موفق در برخی از حوزه‌های گفته شده، توانست به‌عنوان شریک حکومت، موقعیت خود را در صحنه سیاسی تونس تثبیت کند.

**واژگان کلیدی:** اخوان المسلمین مصر، النهضه تونس، حزب عدالت و توسعه ترکیه، حکومت‌داری.

## **The Governance Experience of Justice and Development Party in Turkey and the Muslim Brotherhood in Egypt and Tunisia; Same Model, Different Experiences**

**Mostafa Ghasemi\***

PhD in International Relations, Esfahan University, m.ghasemi59@yahoo.com

### **Abstract**

**Objectives:** Following the rise to power of the Muslim Brotherhood parties in Tunisia and Egypt on the heels of the 2011 Arab uprisings, their leaders pointed to Turkey's Justice and Development Party (AKP) as a successful model of governance. The main aim of this research is to shed light on how the Tunisian and Egyptian Muslim Brotherhoods copied the governing model from the Turkish ruling party to see if their effort made its way to success or failure.

**Method:** The current research is comparative and library-based, and seeks to find an answer to the question: Despite copying the single model of governance of the AKP, why did the Muslim Brotherhood in Egypt and Tunisia have different versions of governing?

**Results:** The findings of the research show that monopolization of power and allowing others within it, the confrontational and cooperative approach to the military, and the success and failure in improving the living and economic conditions have been main issues that drove the models of governance taken from the AKP by the Egyptian and Muslim Brotherhood to success or failure.

**Conclusion:** Making wrong policies on the above-mentioned issues, beside some regional conditions imposed, the Egyptian Muslim Brotherhood was ousted from rule by the military only a year after their assumption of power. However, Annahda Movement of Tunisia has relatively been successful in adopting policies on those issues, something that made it relatively maintain its position as an actor in the nation's politics.

**Key Words:** Egypt's Muslim Brotherhood, Tunisia's Annahda, AKP, Governance.

## مقدمه

جنبش اخوان المسلمین مصر به عنوان یکی از ریشه دارترین و فراگیرترین جنبش‌های اسلامی معاصر جهان عرب و اسلام شناخته می‌شود. وقوع تحولات عربی در سال ۲۰۱۱ و سرنگونی رژیم مبارک در مصر و بن علی در تونس، فرصت بزرگی را در اختیار اخوانی‌ها قرار داد تا بتوانند با مقبولیت مردمی خود که حاصل بیش از دهه‌ها فعالیت زیرزمینی و آشکار این جریان بود، به قدرت برسند. بعد از به قدرت رسیدن این جریان‌ها در مصر و تونس، بارها مقامات دو جریان اخوانی مذکور از الگو قرار دادن حزب عدالت و توسعه ترکیه در حوزه حکومت‌داری سخن گفتند. در این میان النهضه بعد از حضور در قدرت، با چالش‌های متعددی مواجه شد که در نهایت ترجیح داد با مدیریت فضای بحرانی به وجود آمده، قدرت را به رقیب سکولار خود واگذار کند. با این حال، این حزب همچنان در صحنه سیاسی تونس حضور دارد و از بازیگران مهم عرصه سیاسی تونس است، اما بازیگری اخوان المسلمین مصر در حیات سیاسی پسمبارک چندان استمرار نیافت و دیری نپائید که اخوان در سطوح داخلی با چالش‌های فراوانی مواجه شد و روزه‌روز دامنه مخالفان نظام اخوانی گسترش یافت تا اینکه در نهایت در ۳ جولای ۲۰۱۳ با یک کودتای نظامی، محمد مرسی از قدرت خلع شد.

بنابراین، هدف این مقاله، تبیین چرایی موفقیت و عدم موفقیت این دو جریان اخوانی در مصر و تونس در الگوبرداری از حزب عدالت و توسعه ترکیه است. با اینکه اسلام سیاسی اعتدال‌گرای اخوانی مهم‌ترین جریان دارای منظومه فکری و اندیشه‌ای به‌ویژه در خصوص تشکیل نظام سیاسی اسلام در جهان اهل سنت است، این مسئله دارای اهمیت است که چرا سرانجام حکومت‌داری اخوان مصر و تونس در الگوبرداری از حزب عدالت و توسعه ترکیه، منجر به دو نتیجه متفاوت شد.

### ۱- پیشینه پژوهش

در ارتباط با ادبیات موضوع، کتاب‌ها و مقالات متعددی در خصوص حزب عدالت و توسعه ترکیه و حضور جریان‌های اخوانی تونس و مصر در قدرت و علل موفقیت یا شکست آن‌ها به صورت مجزا نگاشته شده است.

ابراهیم کالین در مقاله‌ای تحت عنوان «علل پیروزی رجب طیب اردوغان در انتخابات ۲۴ ژوئن ۲۰۱۸» به بررسی عوامل مؤثر در پیروزی حزب عدالت و توسعه ترکیه پرداخته است (کالین، ۲۰۱۸). محمد محمود نیز در مقاله دیگری با عنوان «تجربه توسعه موفق اسلام‌گرایان در ترکیه»، عوامل موفقیت و پیروزی‌های حزب عدالت و توسعه در ترکیه بررسی کرده است (محمود، ۱۳۹۵). مقاله عبدالامیر نبوی و حسین ابراهیم نیا با عنوان «اخوان المسلمین و النهضه: عقاید مشابه مسیر متفاوت» که در شماره ۲۹ فصلنامه علوم سیاسی منتشر شده است، ضمن بررسی اشتراکات اندیشه‌ای این دو جریان اخوانی، به تبیین این مسئله پرداخته است که چرا النهضه تونس مسیری متفاوت و موفق نسبت به اخوان مصر پیدا

کرد (نبوی، ابراهیم نیا، ۱۳۹۳). اشرف الشریف نیز در مقاله دیگری با عنوان «شکست‌های اخوان-المسلمین» به بررسی علل و عوامل عدم موفقیت اخوان مصر در امر حکومت‌داری پرداخته است (EI-Sherif, 2014).

این مقالات تنها نمونه‌ای از صدها مقاله و کتاب‌هایی است که بعد از تحولات ۲۰۱۱ و حضور جریان‌های اخوانی در تونس در قدرت در خصوص حکومت‌داری این جریان در مصر و تونس نگاشته شده‌اند و در اینجا قصد تکرار آن‌ها را نداریم. همان‌طور که اشاره شد اکثر این مقالات به صورت مجزا، فقط به علل و عوامل شکست اخوان مصر و موفقیت‌های نسبی النهضه تونس پرداخته‌اند و این مسئله از جنبه مقایسه‌ای بین دو جریان اخوانی مصر و تونس با حزب عدالت و توسعه ترکیه، بررسی نشده است. مقاله حاضر تلاش دارد با مقایسه بین دو الگوی حکومت‌داری اخوان در تونس و مصر با حزب عدالت و توسعه ترکیه، به تحلیل علل موفقیت یا شکست آن‌ها بپردازد.

## ۲- روش‌شناسی پژوهش

یکی از روش‌های تحقیقی در حوزه علوم اجتماعی، روش مطالعه تطبیقی یا روش مقایسه‌ای است و آن عبارت است از نوعی روش بررسی که پدیده‌ها را در کنار هم می‌نهد و برای یافتن نقاط افتراق و تشابه آن‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کند. روش مقایسه‌ای در سطح کلان عبارت از مقایسه نظام‌ها و شیوه‌های مدیریت در نظام‌های اجتماعی مختلف برای تعیین وجوه اشتراک و افتراق بین آن‌ها و در نهایت سنجش و ارزیابی آن‌ها است. این مقایسه ممکن است بین دو کشور یا دو گروه از کشورهایی که هر گروه دارای نظام اداری تقریباً مشابهی هستند انجام شود.

در مطالعه تطبیقی به‌ویژه مطالعات اداری و حوزه حکومت‌داری، کار کمی پیچیده‌تر است. اگر دو پدیده مورد مقایسه دو سازمان باشد، آن‌ها باید به‌گونه‌ای انتخاب شوند که مقایسه پذیر و تطبیق‌پذیر باشند و با هم کاملاً بیگانه یا کاملاً مشابه نباشند. دوم اینکه باید دقیقاً معین شود چه عوامل و متغیرهایی در دو سازمان مورد مقایسه قرار می‌گیرند. با توجه به اینکه زمینه‌های تطبیق و مقایسه دو پدیده وسیع و پیچیده است و انجام مقایسه و تطبیق دو سازمان به‌طور مطلق و دستیابی به تمام تشابهات و تفاوت‌ها امری تقریباً محال است؛ بنابراین، باید از طبقه‌بندی استفاده کرد. تقسیم و طبقه‌بندی این امکان را می‌دهد که مسائل هر بابی را تنها به آن باب اختصاص دهد و در نتیجه آسان‌تر شود. در این پژوهش نیز عملکرد اقتصادی، انحصارطلبی یا مشارکت‌سازیرین در قدرت، تعامل یا تقابل با ارتش و سیاست خارجی شاخص‌هایی هستند که با مقایسه آن‌ها میزان موفقیت یا عدم موفقیت اخوان تونس و مصر در الگوبرداری از حزب عدالت و توسعه ترکیه بررسی می‌شود.

## ۳- چهارچوب نظری

رابطه بین مشروعیت و استمرار حکومت و کارآمدی در یک نظام سیاسی از اهمیتی حیاتی برخوردار است. مشروعیت‌یابی فرایندی است که طی آن حکومت‌ها به بسط و گسترش پایه‌های اجتماعی خود و بالابردن میزان رضایت مردم می‌پردازند و سعی می‌کنند مقبولیت اجتماعی و موفقیت سیاسی خود را

تثبیت کنند. بر این مبنا، کارآمدی، مشروعیت‌زاست تا جایی که اودانل از نظریه‌پردازان توسعه، می‌گوید: دیکتاتورهای مصلح که با کودتا سرکار می‌آیند، اگر عملکردشان به گسترش رفاه عمومی و ایجاد امنیت بینجامد، برای خود مشروعیت هم کسب می‌کنند و اساساً توسعه، خود مشروعیت‌آفرین است. با این تعبیر مشروعیت را می‌توان در حوزه کارایی و کارآمدی حکومت‌ها جای داد.

این مسئله به حدی از اهمیت برخوردار است که در مشروعیت دینی هم به آن توجه شده است. مشروعیت دینی - یعنی مشروعیتی که منشأ آن اراده و اعتبار الهی است - بیشتر به مشروعیت اولیه یعنی حق پیشینی برای در اختیار گرفتن حکومت و قدرت راجع است و بنابراین، کارآمدی در آن، شرط اصلی محسوب نمی‌شود، باین‌حال در صورت تشدید ناکارآمدی، در حجیت آن حکومت و نظام سیاسی به تدریج تشکیک شده و اعتبار دینی آن نیز زیر سؤال می‌رود (خانی، ۱۳۸۸: ۶). بنابراین، اسلام نیز به کارآمدی و صلاحیت و توان بالفعل حکومت و حاکم دینی کاملاً نظر دارد.

طی چند دهه اخیر نیز به دلیل تأثیرات انقلاب میکروالکترونیک، نظم پسا صنعتی و بسیاری دیگر از دگرگونی‌های بنیادین سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، مهارت‌های تحلیلی مردم همه سرزمین‌ها رو به رشد بوده و همین باعث ضعف ساختارهای پرسابقه مرجعیت و اقتدار، چندپارگی جوامع، افزایش قدرت خرده گروه‌ها و از سوی دیگر ناتوان شدن حکومت‌ها و دولت‌ها و دگرگونی ساختارهای کلان سیاست جهان، که دگرگونی‌های سطح خرد بی‌ارتباط با آن نیست، شده است. یکی از ویژگی‌های سطح خرد که دستخوش دگرگونی شده است حس مشروع انگاری مردم است. درحالی‌که زمانی مشروعیت از هنجارهای سنتی برمی‌خاست که ساختارها و فرایندهای کلان به آن دوام می‌بخشید امروزه تقویت مهارت‌های تحلیلی و توانایی تمرکزی شهروندان آنان را هرچه قادرتر ساخته است تا بر اساس عملکردهایی که خود مناسب می‌دانند قائل به مشروعیت یا عدم مشروعیت اقتدار شوند (روزنا، ۱۳۸۴: ۵۱۰).

امروزه مردم انتظار تأمین حداکثر مطالباتشان را از سوی دولت‌ها دارند، اما دولت‌ها در این زمینه دچار کاهش اثربخشی شده‌اند. اثربخش بودن چیزی بیش از حفظ نظم و متضمن برطرف ساختن مشکلات و حل‌وفصل اختلافات، یا دست‌کم جلوگیری از وخیم‌تر شدن مشکلات است. مسلماً اثربخشی و کارگشا بودن یگانه معیار برای ارزیابی کار حکومت‌ها نیست، ثبات و بازبودن فضا هم معیارهایی به همان اهمیت هستند و در برخی موارد، کارنامه حکومت‌ها از این نظر می‌تواند گیراتر باشد، اما از دیدگاه حکومت‌هایی که خرده گروه‌گرایی در داخل و بحران‌های مرجعیت و اقتدار در خارج دست‌وپایشان را بسته است معیار کارایی و اثربخشی اهمیت خاصی دارد. در این شرایط رهبران حکومت‌های ملی مجال چندانی برای نوآوری ندارند. در داخل کشور، نبود وفاق سیاسی و تقاضاهای خرد گروه‌های منسجم‌تر دست آن‌ها را برای اتخاذ سیاست‌های جدید می‌بندد و در خارج، وجود شرایط مشابه برای حکومت‌های طرف گفت‌وگوی آن‌ها و تقاضاهای بازیگران فرامرزی جهان چندمرکزی ابتکارات آن‌ها را محدود می‌سازد (روزنا، ۱۳۸۴: ۵۷۱).

بر همین اساس با توجه به تحولات چند سال اخیر در منطقه شمال آفریقا، زمانی که اسلام‌گرایان بلافاصله بعد از انقلاب قدرت را به دست گرفتند به شدت مواجه با انبوه انتظارات مردمی شدند که نه آمادگی مدیریت کشور را داشتند و نه شرایط درونی و بیرونی اجازه پاسخگویی به مطالبات مردم را می‌داد. در این میان منتقدان هم مترصد پس گرفتن قدرت یا انتقال قدرت به نفع خویش بودند. این روند در تونس و به‌طور مشخص در مصر رخ داد. گروه‌های اسلام‌گرا در هر دو کشور مذکور پس از تحولات اولیه وارد عرصه شده و با انبوه مطالبات مردم روبه‌رو شدند که توانایی پاسخ به آنان را نداشتند. لیویه روآ می‌نویسد: «نسل جدید معترضان در تونس نیز به شکست اسلام سیاسی اذعان پیدا کرده‌اند. جوانان عرب دیگر متأثر از مذهب یا ایدئولوژی نیستند؛ بلکه خواهان گذار مسالمت‌آمیز به حکومتی سالم، دموکراتیک و عقلانی هستند.» (Roy, 2011) روآ از این نسل به «پست اسلامیت» یا پس‌اسلام‌گرا تعبیر می‌کند که انتظارشان از حکومت، «حکمرانی خوب» است و این افراد نتیجه‌گرا هستند. این مسائل باعث شد اسلام‌گرایان که در ابتدا با اقبال عظیم مردم مواجه شدند، نتوانند کارایی لازم برای پاسخگویی به مطالبات مردم را داشته باشند و بنابراین، شاهد تنزل جایگاه آن‌ها بودیم.

#### ۴- نگاهی به ورود حزب عدالت و توسعه، النهضه و اخوان المسلمین به عرصه سیاست

حزب عدالت و توسعه ترکیه از مهم‌ترین احزاب نزدیک به اخوان المسلمین است که در سال ۲۰۰۲ توانست قدرت را در ترکیه به دست گیرد. این حزب بعد از اینکه قدرت را در دست گرفت با سیاست‌های اتخاذی خود توانست موقعیت خود را در ترکیه تثبیت کند و الگوی موفقی از حکومت‌داری را به نمایش بگذارد. جریان‌های اخوانی در مصر و تونس نیز طی دهه‌های گذشته تلاش‌های زیادی برای ورود به عرصه سیاسی انجام دادند، اما تا قبل از تحولات عربی ۲۰۱۱ این تلاش‌ها به‌رغم برخی دستاوردها، با ناکامی مواجه شد. تحولات عربی ۲۰۱۱ این فرصت را به جریان‌های اخوانی در مصر و تونس داد تا حکومت‌داری را هرچند به مدت کوتاه تجربه کنند. در ادامه به معرفی این جریان‌ها در سه کشور یادشده می‌پردازیم.

##### ۱-۴- حزب عدالت و توسعه ترکیه

اسلام‌گرایان حاکم در ترکیه سه مرحله را پشت سر گذاشته‌اند. مرحله اول قبل از تأسیس حزب رفاه است. مرحله دوم به بعد از شکل‌گیری حزب رفاه برمی‌گردد که در ادامه حزب رفاه به دو جناح تقسیم شد. حزب فضیلت که در واقع امتداد حزب رفاه قبلی بود و جناح دوم منشق شده از حزب رفاه، خود را حزب سعادت نامید. در مرحله سوم به دنبال انحلال حزب فضیلت اعضای اصلاح‌طلب و نواندیش آن، به رهبری رجب طیب اردوغان از حزب مذکور منشعب شده و حزب جدیدی به نام عدالت و توسعه را در سال ۲۰۰۱ تشکیل دادند. اردوغان و حاکمان فعلی، شاگردان و میردان اربکان هستند.

در روند قدرت‌گیری حزب عدالت و توسعه، اردوغان طی ماه مارس ۱۹۹۴ از جانب حزب رفاه موفق شد در انتخابات شهرداری استانبول به پیروزی دست یابد و سمت شهردار این شهر دوازده‌میلیونی را عهده‌دار

شود. بعد از انحلال حزب رفاه، اصلاح‌طلبان و نوگرایان این حزب، حزب عدالت و توسعه را تحت رهبری اردوغان و عبدالله گل تأسیس کردند. در انتخابات زودهنگام سال ۲۰۰۲ حزب عدالت و توسعه توانست با اتخاذ دیدگاه‌های معتدل و غیر ایدئولوژیک، ۳۴/۲ درصد آرا را کسب کند و بدون نیاز به ائتلاف با سایر احزاب، موفق به تشکیل دولت شد. این حزب سال‌هاست قدرت را در ترکیه در دست دارد و توانسته با مدیریت مناسب و هوشمندانه، همچنان اکثریت آرای را در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی به دست آورد. حزب عدالت و توسعه یک حزب سکولار است با این حال، با حذف نمادهای مذهبی از اماکن عمومی، مانند ممنوعیت حجاب زنان در اماکن دولتی، مخالف است (جلالی، ۱۳۹۱: ۷۱).

## ۲-۴- النهضه تونس

جنبش النهضه<sup>۱</sup> در آوریل ۱۹۷۲ اعلام موجودیت کرد، ولی عملاً در سال ۱۹۷۸ م به صحنه سیاسی وارد شد. جنبش النهضه در ابتدا با عنوان جمعیت محافظت از قرآن، جماعت اسلامی (حرکت اسلامی)، سپس جنبش رویکرد اسلامی و جبهه نجات اسلامی و پس از آن با عنوان فعلی «جنبش النهضه» فعالیت‌های خود را آغاز و تاکنون ادامه داده است. شیخ راشد الغنوشی و شیخ عبدالفتاح مورو و غیره از مؤسسين اصلی النهضه بوده‌اند. جنبش اسلامی تونس ریشه در برخورد ایدئولوژی مدرن بورقیبه و سنت‌گرایی دینی نهاد «زیتونیه» در اواخر دهه ۵۰ میلادی دارد (ذوالفقاری، ۱۳۹۰: ۳۳) این جنبش تا قبل از تحولات سال ۲۰۱۱ جزء اپوزیسیون حکومت بن علی در تونس محسوب می‌شد و از زمان تأسیس تا ۲۰۱۱ مقامات و اعضای این حزب چندین بار توسط حکومت وقت زندانی یا تبعید شدند. پدیده اسلام‌گرایی در تونس به علت تنوع در مؤلفه‌ها و عناصر آن، از ابتدا پیچیده بوده است، اما اگر قوی‌ترین مؤلفه‌های را آن نام ببریم، اخوان المسلمین مؤثرترین گرایش موجود در آن بوده است و اندیشه اخوانی نمایانگر مرجعیت اصلی در ادبیات جنبش اسلامی تونس است به نحوی که رسانه‌ها، طرفداران این سازمان را «اخوانجیه» (منسوب به اخوان المسلمین) نامیده و آن‌ها را متهم می‌کردند که در پوشش دین سعی در کسب اهداف سیاسی دارند (اسماعیلی و عوض پور، ۱۳۹۳: ۲۰۹). با اینکه النهضه یک حزب اخوانی محسوب می‌شود، اما عمده اندیشه و تفکر این حزب برآمده از اندیشه رهبر آن یعنی راشد الغنوشی است.

بعد از تحولات منجر به فرار بن علی از تونس، در اولین انتخابات بعد از انقلاب، که اواخر مهرماه ۱۳۹۰ برگزار شد، النهضه منسجم‌ترین حزبی بود که توانست با کسب ۸۹ کرسی از ۲۱۷ کرسی مجلس، پیروز انتخابات پارلمانی تونس شود. این جنبش بعد از حدود دو سال حضور در قدرت، با چالش‌های متعددی مواجه شد و در نهایت در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۴، نتایج را به رقیب سکولار خود واگذار کرد. پس از شکست النهضه در فرایندهای انتخاباتی و ناتوانی آن در تطبیق با اوضاع سیاسی جدید، تغییراتی در رویکردها و مواضع این جنبش ایجاد شد. به‌رغم مشابهت‌ها و وابستگی اندیشه‌ای النهضه تونس و اخوان

مصر، دهمین کنگره جنبش اسلام‌گرای النهضه که ۲۰ تا ۲۲ مه ۲۰۱۶ تشکیل شد، نقطه عطفی در تاریخ جنبش اسلامی تونس بوده است. مهم‌ترین نتیجه اعلامی این کنگره، تشکیل یک حزب سیاسی مدنی دموکراتیک و پایان کار جنبش النهضه به‌عنوان یک جنبش اسلام‌گرای سیاسی بود. تصمیم النهضه مبنی بر دوری از اسلام سیاسی می‌تواند تلاشی از سوی آن جریان برای دوری از اخوان‌المسلمین و وابستگی‌های آن قلمداد شود. این موضوع می‌تواند به‌عنوان ارزیابی مجدد النهضه و تسهیل راه برای آن جنبش برای مشارکت در توسعه سیاسی تونس باشد (الوقت، ۱۳۹۵). اگرچه حزب النهضه به سوی تونس‌شدن حرکت کرده، اما هنوز نمی‌توان آن را منفک از اخوان‌المسلمین دانست. تغییر هویت از عقیدتی به مدنی نمی‌تواند در سال‌هایی اندک انجام شود بلکه نیازمند زمان و مناقشات عمیق برای رسیدن به ثبات و پختگی است.

### ۳-۴- اخوان‌المسلمین مصر

جنبش اخوان‌المسلمین در مارس ۱۹۲۸ به همت حسن البنا و چند تن از هم‌فکران وی، در شهر اسماعیلیه مصر پایه‌گذاری شد (ابراهیم، ۱۳۸۷: ۲۰). به گفته بنا، شعار این جنبش عبارت بود از: «الله هدف ماست، رسول الله رهبر ماست، قرآن برنامه ماست، جهاد و تلاش کار ماست و شهادت آرزوی ماست» (جدعان، ۱۹۸۸). عواملی چون ضعف دینی و فرهنگی جامعه مصر، فساد سیاسی، سلطه بیگانگان و ضعف ساختارهای سیاسی جدید همگی در تأسیس این جنبش و در اتخاذ اصولی به‌عنوان سیاست خارجی نقش داشته‌اند (میشل، ۱۳۸۶: ۳۸-۳۶).

این جنبش مانند سایر جریانات سیاسی مراحل تاریخی مختلفی را سپری کرده است. اندیشه و ایده ورود اخوان‌المسلمین به عرصه سیاسی در مصر را می‌توان به دومین دهه از تأسیس این جنبش توسط حسن البنا نسبت داد (ابراهیم، ۱۳۸۷: ۱۴۳). هرچند در دوره ناصر و سادات، اخوان به صورت محدود و موقتی اجازه حضور در عرصه سیاسی را یافت، اما ورود اخوان به‌عنوان یک کنشگر فعال در صحنه سیاسی را باید به زمان مبارک منتسب کرد. در این دوره نقش مرشد سوم اخوان عمر تلمسانی بسیار برجسته است؛ وی با اعلام تغییر رویکرد از ایده تشکیل خلافت و حکومت اسلامی به حکومت عرفی و قبول نظام پارلمانی، راه را برای مشارکت اخوان در صحنه سیاست مصر هموار ساخت (خامه‌یار، ۱۳۹۰: ۹۳-۹۲) و این روند تا زمان سرنگونی مبارک در اثر انقلاب مردم مصر (۱۳۸۹ هـ ش/ ۲۰۱۱ م) با فراز و فرودهایی ادامه پیدا کرد.

انقلاب مصر فرصت طلایی را در اختیار اخوان قرار داد تا با امتیازات زیادی که آن‌ها نسبت به جریانات دیگر مصری داشتند خیلی زود بتوانند به‌عنوان نیروی برتر، پارلمان و بالاترین قدرت اجرایی یعنی ریاست جمهوری را در اختیار بگیرند. انتخاب مرسی به‌راستی یک نقطه عطف و بهترین فرصت برای اخوان در عمر ۸۳ ساله این جنبش بود تا اهدافی که چند نسل در آرزوی آن بودند تحقق یابد، اما در اثر عدم درایت و تدبیر در مسائل داخلی و خارجی به فاصله یک سال با اعتراضات جریانات مخالف داخل و نهایتاً دخالت ارتش و حمایت‌های طرف‌های خارجی منجر به برکناری مرسی و از دست رفتن این



فرصت طلایی شد. هرچند برخی از شرایطی که زمینه سقوط اخوان را فراهم کرد، خارج از اراده و مدیریت این جنبش بود، اما اشتباهات تأثیرگذار اخوان، باعث شد تا بعد از هشت دهه انتظار، تجربه حکومت‌داری ناموفقی از خود بجای بگذارند.

#### ۴-۴- ارتباطات حزب عدالت و توسعه با جنبش اخوان المسلمین

جنبش اسلامی ترکیه که در دهه ۱۹۶۰ پدید آمد، خود را بخشی از یک شبکه بزرگ‌تر جنبش‌های اسلامی می‌دید؛ بنابراین، ارتباطات خود را با جریان‌های اسلامی گسترش داد. این حزب در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶ پذیرای تعدادی از اعضای اخوانی مصر و تونس بودند و حتی در این مقطع تلاش‌هایی برای میانجیگری بین اخوان المسلمین و رژیم مبارک در مصر انجام دادند. چنین تلاش‌هایی ناشی از دیدگاه سیاست خارجی حزب بود که تلاش می‌کرد خود را به جایگاه رهبری جهان اسلام برساند (Aydin, 2014).

رابطه اردوغان با اخوان المسلمین نیز از دهه ۱۹۷۰ آغاز می‌شود، زمانی که او برای نخستین بار با کمال الهلباوی، سخنگوی اخوان المسلمین، دیدار کرد. همان‌طور که کمال هلباوی در سال ۲۰۱۱ در وال استریت ژورنال می‌گوید، آن‌ها با جنبش اسلامی ترکیه قبل از تشکیل حزب عدالت و توسعه ارتباط داشتند. نجم‌الدین اربکان و اردوغان در طول سال‌ها فعالیت، همواره ارتباطات خود را با اخوان المسلمین حفظ کردند (Muslim Brotherhood in Turkey, 2017).

با این حال حزب عدالت و توسعه، وقتی در سال ۲۰۰۲ به قدرت رسید به دلیل محدودیت‌های داخلی و تثبیت خود در قدرت، روابط خود را با اخوان المسلمین کاهش داد و تلاش کرد در چهارچوب شرایط سیاسی ترکیه خود را سکولار نشان دهد. این حزب برای تثبیت خود، در سال‌های اولیه حضور در قدرت بیشتر تلاش خود را معطوف به ارتباط با اتحادیه اروپا و تعریف ترکیه به‌عنوان بخشی از کشورهای اروپایی کرد، اما وقتی مجدداً در سال ۲۰۰۷ توانستند قدرت را در ترکیه به دست گیرند، ارتباطات خود را با اخوان المسلمین بیشتر کردند، زیرا در این مقطع خاورمیانه در سیاست خارجی ترکیه از اهمیت زیادی برخوردار شده بود. این مسئله خود باعث گسترش روابط حزب عدالت و توسعه با اخوان المسلمین شد (Aydin, 2014).

پیروزی اخوانی‌ها در پی تحولات عربی ۲۰۱۱ و حاکم شدن آن‌ها در مصر و تونس، باعث شد تا ارتباطات حزب عدالت و توسعه و جریان‌های اخوانی بیش‌ازپیش گسترش یابد. وقتی اخوان در مصر به قدرت رسید حزب عدالت و توسعه خود را متعهد به کمک به این جریان کرد و قول کمک ۲ میلیارد دلاری به اخوان داد (Benli Altunışık, 2013:4). مایت ترکیه از اخوان بعد از سقوط آن‌ها از قدرت نیز کماکان ادامه داشته است و ترکیه به همراه قطر مهم‌ترین کشورهای هستند که همچنان پای اخوان ایستاده‌اند و از آن حمایت می‌کنند. ترکیه به اخوانی‌هایی که بعد از کودتای نظامیان، از مصر خارج شدند امکانات فراوانی داده است و مهم‌ترین حامی آن‌ها در نظام بین‌الملل است (Muslim Brotherhood in Turkey, 2017).

با اینکه حزب عدالت و توسعه یک جریان اخوانی محسوب نمی‌شود و نگاه قومی ترک‌ها نیز این اجازه

را به آن‌ها نمی‌دهد تا خود را تابع یک جریان اسلامی عربی تعریف کنند، اما این حزب به لحاظ فکری و اندیشه‌ای، تأثیرات زیادی از اخوان المسلمین پذیرفته است. حزب عدالت و توسعه خود را یک مدل توسعه‌یافته‌تر از جنبش اخوان المسلمین می‌داند که خود را برای فعالیت در یک نظام دموکراتیک آماده کرده است (Aydin, 2014). این حزب، به‌مثابه میراث‌دار تشکل‌های سیاسی ماقبل خود در ترکیه مانند حزب رفاه متعلق به نوعی از طرز تفکر است که رسیدن به قدرت را از راه‌های مسالمت‌آمیز و آرام و در عین حال، هدفمند و دارای برنامه‌های بلندمدت دنبال می‌کند؛ مدلی که ابتدا به دست اخوان المسلمین در مصر تثبیت و تجربه شد.

بعد از تحولات عربی ۲۰۱۱ که جریان‌های اخوانی در مصر و تونس توانستند قدرت را در دست بگیرند، رهبران و مقامات آن‌ها بارها از حزب عدالت و توسعه ترکیه به‌عنوان یک مدل مطلوب برای حکومت‌داری یاد کردند. عصام العریان سخنگو و رئیس دفتر سیاسی اخوان المسلمین در مصاحبه‌ای می‌گوید: «الگوی ترکیه در دو چیز موفقیت بزرگی کسب کرده است: یکی اینکه پس از چند دهه ناآرامی سیاسی، ریشه دموکراسی را در سیاست مستحکم کرده است، آن هم در کشوری که نظامش حداقل دو بار به ارتش اجازه داده بود که صحنه سیاست را اشغال کند و به نفع خودش ضبط کند. موفقیت دیگر که اهمیتش کمتر از دیگری نیست، موفقیت اقتصادی است، آن هم تا حدی که درآمد شهروندان ترکیه هفت هشت برابر شده است» (العریان، ۱۳۹۰).

راشد الغنوشی نیز از الگوی ترکیه به‌عنوان یک الگوی مطلوب در وضعیت کنونی جهان اسلام نام برده است. وی در مصاحبه‌ای عنوان کرده بود: «اگر نسبی نگاه کنیم و بگوییم کدام نظام بدی‌هایش کمتر است، من می‌توانم بگویم امروزه نظام ترکیه نمونه‌ای از اجرای اسلام است، که دستاوردهایی برای مردمش داشته، برایشان آزادی آورده و بدون توسل به زور عزت و منزلت برایشان آورده است؛ بنابراین، به صورت نسبی، مسلمان‌ها آرزو دارند که نظامشان مثل ترکیه باشد و در کشورشان رجب طیب اردوغان داشته باشند نه علی عبدالله صالح و بشار اسد و این‌ها» (الغنوشی، ۱۳۹۰).<sup>۱</sup>

با اینکه اخوان المسلمین مصر و تونس، الگوی ترکیه را الگوی مطلوب حکومت‌داری در وضعیت فعلی جهان اسلام عنوان کرده بودند و تلاش کردند تا تجربه این حزب را پیش روی خود قرار دهند، اما جهان اسلام شاهد دو تجربه ناموفق و نسبتاً موفق در مصر و تونس بود. در ادامه با انتخاب برخی از شاخص‌ها به تبیین علل ناکامی اخوان مصر و موفقیت نسبی النهضه تونس در مقایسه با الگوی حکومت‌داری حزب عدالت و توسعه ترکیه می‌پردازیم.

۱. همچنین رجوع کنید به: القسومی، المولدی (۲۰۱۷). المسلمون الديمقراطيون فی تونس و درس التّمکین فی ترکیا الإخوانیة، الشروق، ۰۸ مای

## ۵- بررسی مقایسه‌ای الگوبرداری اخوان المسلمین تونس و مصر از تجربه حکومت‌داری حزب عدالت و توسعه ترکیه

روش مقایسه‌ای راهی برای استنباط علمی (توصیفی یا علی) از طریق مقایسه نظام‌مند شباهت‌ها و تفاوت‌های پدیده‌های اجتماعی با یکدیگر است. در واقع شناخت پدیده‌ها از طریق کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها با یکدیگر بنیان روش مقایسه‌ای است. به دلیل آنکه این مقاله سعی دارد به بررسی میزان موفقیت دو جریان اخوانی مصر و تونس در الگوبرداری از تجربه حکومت‌داری حزب عدالت و توسعه ترکیه و نمایان کردن نقاط قوت و ضعفشان در این مورد بپردازد؛ نیاز به مقایسه عملکرد آن‌ها در حکومت‌داری ضروری به نظر می‌رسد.

### ۱-۵- عملکرد اقتصادی

**الف- حزب عدالت و توسعه ترکیه:** در مقایسه بین حزب عدالت و توسعه ترکیه و اخوان المسلمین تونس و مصر به‌عنوان سه الگوی موفق، نسبتاً موفق و ناموفق حکومت‌داری در جهان اهل سنت، عملکرد اقتصادی از مهم‌ترین علل تأثیرگذار در این مسئله بوده است. حزب عدالت و توسعه طی حضور خود در حکومت یک کارنامه موفق اقتصادی را از خود بجای گذاشته است. در پنج سال اول حکومت حزب عدالت و توسعه یعنی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷، اقتصاد ترکیه رشد پایداری را تجربه کرد و موفق شد نرخ تورم سه‌رقمی ترکیه را تک‌رقمی کند، بیکاری را تا ۱۰ درصد کاهش دهد و با حذف شش صفر از جلوی ارقام اسکناس‌ها، باعث افزایش ارزش پول ترکیه در مقابل ارزهای خارجی شود. این حزب برای جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی تلاش بی‌وقفه‌ای را انجام داد و موفق شد سرمایه‌های زیادی را حتی از کشورهای عربی جذب کند (واعظی، ۱۳۸۷، ص. ۲۲۶). حزب عدالت و توسعه با شعار و پشتوانه اسلامی بعد از جنگ سخت و طاقت‌فرسا با نیروهای مخالف هر جریان اسلامی یا هر گروهی که اندک ارتباطی به اسلام داشته باشد؛ اصلاحات ریشه‌ای و عمیقی را آغاز کرد که شامل میدان‌های سیاسی و اقتصادی می‌شد و از فعال‌سازی سیاست‌های مالی گمرکات و مالیه و استراتژی حمایت از ممتلكات حیاتی دولت حمایت کرد. این سیاست‌های اقتصادی، موفقیت‌های بزرگی را رقم زد، طوری که اقتصاد ترکیه از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ به صورت متوسط ۱۳ درصد رشد داشت و بازار بورس استانبول در جمله ۳۰ بورس برتر جهان قرار گرفت، این موفقیت کافی بود که ترکیه را در مسیر سازندگی قرار داده و پیروزی‌های پی‌درپی نصیب حزب عدالت و توسعه شود. در سال ۲۰۱۴ اقتصاد ترکیه در سطح ۱۷ اقتصاد برتر جهان قرار گرفت تا بتواند ترکیه را با نهضت علمی و اقتصادی بزرگش به حرکت درآورده و این نکته را نهادینه سازد که ملت‌های اسلامی توانایی سازندگی را دارند، اگر با تصمیم و جدیت تلاش کنند (محمود، ۱۳۹۵). هرچند آمارهای اقتصادی نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی ترکیه طی چند سال اخیر، رو به ضعف نهاده است، اما همچنان شاخص‌های اقتصادی موجود در ترکیه، نشان از کنترل و مدیریت دولت اردوغان در حوزه اقتصادی دارد (Turkey Economic Outlook, 2018).

ب- **النهضة تونس:** از مهم‌ترین علل سقوط نظام بن علی در تونس، مشکلات اقتصادی بخصوص فقر، بیکاری و شکاف طبقاتی بود. حل این مشکلات بعد از تحولات ۲۰۱۱، به حکومت پس از انقلاب رسید. النهضة پس از انقلاب باید بر سه مشکل نرخ بالای بیکاری جوانان، نابرابری رو به افزایش درآمد و تفاوت‌های منطقه‌ای در تونس غلبه می‌کرد. اسلام‌گراها در این مسیر با دو چالش اساسی مواجه بودند: مشکلات اقتصادی به‌جامانده از دوره بن علی و ناامنی‌های ناشی از انقلاب که چشم‌انداز بهبودی اقتصاد را مبهم می‌کرد. النهضة برای بهبود وضع اقتصادی استراتژی «برنامه حرکت النهضة برای آزادی، عدالت و توسعه در تونس» را در ۲۰۱۱ مطرح کرد. بر اساس این برنامه حزب به دنبال رفع نواقص اقتصادی رژیم سابق از جمله بیکاری و شکاف منطقه‌ای بود (Nahda-election, 2014).

برنامه حزب برای ارتقای بخش توریسم نیز خواهان اتخاذ سیاست «آسمان باز» بود که هزینه‌های مسافرت هوایی به تونس را کم می‌کرد. این در حالی بود که هنوز در تونس اعتراض‌ها به‌ویژه از سوی کارگران ادامه داشت و برنامه حزب با تناقض روبه‌رو شد. اقدام علیه اعتراض کارگران وجهه عمومی دولت را خراب می‌کرد؛ بنابراین، حزب سعی در حل تنش‌ها از راه افزایش حداقل دستمزد بود که متناسب با افزایش نرخ تورم، دستمزد نیز بیشتر می‌شد، اما این سیاست هزینه‌های دولت را بالا برده و کسری بودجه را افزایش داد (Habibi, 2012: 7-8). اسلام‌گراها برخلاف دوره بن علی نه‌تنها با اوضاع نابسامان اقتصادی روبه‌رو بودند، بلکه با ناامنی‌های پس از انقلاب که در بدتر شدن وضع اقتصادی مؤثر بود نیز باید مبارزه می‌کردند. ناامنی بیشترین تأثیر را روی توریسم گذاشت به‌گونه‌ای که برخی کشورها سفر شهروندان خود به تونس را محدود کردند. این ناامنی‌ها حزب النهضة را از اجرای برنامه‌های اقتصادی خود بازداشت و اوضاع اقتصادی تونس در دو سال حکومت‌داری حزب النهضة بدتر شد (سلطانی، ۱۳۹۳: ۱۲-۱۵).

بازگشت چهل هزار کارگر تونسی از لیبی نرخ بیکاری میان جوانان را تا ۴۲ درصد بالا برد. اقدامات بانک مرکزی نیز برای ذخایر بانک‌ها از جمله دادن وام، تورم را در ۲۰۱۲ به ۵ تا ۶ درصد رساند (Paciello, 2011: 16). کاهش ضریب امنیتی کشور در بخش توریسم و سرمایه‌گذاری خارجی نیز آثار منفی برجای گذاشت. توریسم که به‌طور مستقیم برای ۴۰۰ هزار نفر و غیرمستقیم ۳۰۰ هزار نفر شغل داشت، ۵۰ درصد کم و ۶۰ درصد رزرو هتل‌ها باطل شد. تنها از ژانویه ۲۰۱۱ تا اول ۲۰۱۲ بیش از ۱۵۰ شرکت خارجی فعالیت خود در تونس را تعلیق کردند (Obayashi, 2011: 7) جدول زیر شاخص‌های اقتصادی تونس در دو سال حکومت‌داری حزب النهضة را نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های اقتصادی تونس ۲۰۱۰-۲۰۱۳

شاخص‌های اقتصادی	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
رشد واقعی تولید ناخالص داخلی	۳/۷	-۲/۲	۲/۲	۳/۵
تورم	۴/۴	۳/۵	۵/۰	۴/۰
بدهی عمومی بر مبنای تولید ناخالص داخلی	۴۰/۴	۴۲/۵	۴۳/۸	۴۹/۲
بدهی خارجی بر مبنای تولید ناخالص داخلی	۴۸/۸	۵۱/۱	۵۳/۱	۵۵/۳

Source: African development Bank (2013).

اگرچه اسلام‌گراها سعی در بهبود اوضاع اقتصادی کردند، اما در اثر نبود امنیت، منابع لازم برای اجرا و بهبود اقتصاد از جمله توریسم و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود نداشت و در نتیجه مطالبات مردم برآورده نشد و حزب اسلام‌گرا جایگاه خود را در عرصه سیاسی رو به کاهش دید. در مجموع باید گفت دولت اخوانی النهضه نتوانست مطالبات اصلی مردم را که بهبود وضع اقتصادی بود، برآورده کند و حتی مشکل ناامنی نیز گریبان‌گیر دولت پس از انقلاب شد و حل مشکلات اقتصادی را با حل مشکل ناامنی گره زد. با این شرایط اقتصاد مسئله درجه اولی شد که ظرفیت شکنندگی گذار دموکراتیک دولت‌های پس از انقلاب را در خود داشت.

ج- **اخوان المسلمین مصر:** از اصلی‌ترین علل قیام مردم در کشورهای عربی، نارضایتی از اوضاع معیشتی و اقتصادی و شیوه‌های رفتاری نظام حاکم بود. برای حل این بحران، اخوان المسلمین در مقایسه با حزب عدالت و توسعه ترکیه، عملاً تجربه موفق‌تری در حوزه اقتصادی نتوانست به‌جای بگذارد و این مسئله یکی از عوامل سقوط دولت اخوانی محمد مرسى بود. عملکرد مرسى در عرصه اقتصادی بحران‌آفرین بود؛ وی در برنامه‌های انتخاباتی خود ۶۴ وعده داده بود که عمدتاً بار اقتصادی داشت. مهم‌ترین این وعده‌ها عبارت بودند از: جمع‌آوری زباله‌های قاهره (که به یک مشکل اساسی در مصر تبدیل شده بود)، حل بحران نان و سوخت. مرسى قول داده بود این معضلات را در صد روز اول ریاست جمهوری حل کند، اما هیچ‌یک از این وعده‌ها نه تنها ظرف مدت یک سال تحقق نیافت، بلکه اوضاع وخیم‌تر هم شد (نبوی، ۱۳۹۲: ۲۳). در دوره حکومت‌داری اخوان، قیمت گندم و مواد غذایی در مصر افزایش یافت، این در حالی است که مصر به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان گندم در جهان به‌شدت به قیمت‌های جهانی غذا حساس است. از طرفی پرداخت یارانه از سوی دولت برای نان و سوخت، کسری بودجه دولت را تشدید کرد (Natsios, 2012). وقتی مبارک از قدرت کناره‌گیری کرد مصر ۳۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشت، اما هنگام برکناری مرسى از قدرت ذخیره ارزی مصر به حدود ۱۳/۵ میلیارد دلار کاهش یافت. همین امر نشان می‌دهد که عملکرد اقتصادی اخوان المسلمین در یک سال حکومت‌داری فاجعه‌بار بوده است.

گره‌های ترافیکی گسترده، تجمع زباله، کمبود سوخت، افزایش بیکاری و جنایت همگی منجر به نارضایتی فزاینده در میان مردم شد. به گفته مرکز حقوقی اقتصادی و اجتماعی مصر، بیش از ۳۴۰۰ تظاهرات در اعتراض به مسائل اقتصادی-اجتماعی شکل گرفت. در اوج‌گیری این تظاهرات، نخبگان

کسب‌وکار در جامعه، نقش مهمی داشتند (Görmüş, 2015: 71). با به قدرت رسیدن اخوانی‌ها، نخبگان سکولار مصر، به شدت منافع خود را در خطر دیدند و بر این باور بودند که آزادی‌ها، منافع اقتصادی و نوع زندگی آن‌ها در معرض تهدید قرار گرفته است و احتمالاً در آینده نزاع‌های اجتماعی افزایش خواهد یافت. رویکرد انحصارطلبانه اخوان در حوزه سیاسی، باعث شد تا ترس نخبگان سکولار بیشتر نیز شود؛ بنابراین، مخالفت‌های آن‌ها در بدتر شدن اوضاع اقتصادی مصر اثرگذار بود (El-Sherif, 2014). سیاست‌های رادیکالی مرسی در صحنه داخلی نیز نقش مؤثری در افزایش نرخ بیکاری، وخیم‌تر شدن بحران معیشتی، مالی و کاهش حضور گردشگران در مصر ایفا کرد. وی اسلام‌گراهای تندرو را در پست‌های مهم گماشت و از میان ۲۷ استاندار ۱۷ اسلام‌گرای تندرو را به‌عنوان استاندار انتخاب کرد که برخی از آن‌ها مسئول مناطق اصلی گردشگری در مصر بودند (بصیرت، ۱۳۹۲). در این دوره، به دلیل افزایش ناآرامی‌ها و گسترش هرج‌ومرج، صنعت گردشگری مصر که ۷ درصد بودجه این کشور را تشکیل می‌دهد به شدت آسیب دید. بر اساس گزارش منابع رسمی، گردشگری در سال ۲۰۱۱ به میزان ۳۰ درصد کاهش یافت، این میزان بر اساس گزارش منابع غیررسمی، کاهش ۴۰ تا ۸۰ درصدی در سال ۲۰۱۲ داشته است (Natsios, 2012). از طرفی ناامنی‌ها سبب شد صادرات گاز مصر به اردن و رژیم صهیونیستی مختل شود و بخشی از درآمدهای خارجی این کشور آسیب ببیند (نبوی، ۱۳۹۲: ۲۸).

برای عبور از این بحران‌ها، دولت مرسی تلاش کرد تا با دریافت میلیاردها دلار وام از بانک جهانی، ایالات متحده و کشورهای حوزه خلیج فارس، وضعیت اقتصادی کشور را سروسامان بخشد، اما بسیاری از این وعده‌ها نه تنها محقق نشد (Natsios, 2012) بلکه حمایت آمریکا از اخوان از سال ۲۰۱۲ به بعد، به این دلیل که دولت آمریکا به این نتیجه رسیده بود که سازمان اخوان المسلمین توانایی اداره کشور را ندارد، کاهش نیز یافت. در حوزه سرمایه‌گذاری و کمک‌های خارجی، عربستان و کویت هیچ سرمایه‌گذاری اقتصادی در مصر انجام ندادند و امارات متحد عربی طی یک سال، یک میلیارد دلار از چرخه اقتصادی مصر خارج کرد (نبوی، ۱۳۹۲: ۲۸) برخی از شرکت‌های بزرگ که حتی حاضر به سرمایه‌گذاری در مصر شده بودند، مصر را ترک کردند (Görmüş, 2015). دولت مرسی کوشید از تجربه ترکیه استفاده کند و حتی دفتر گسترش همکاری‌های بازرگانی و ارتباطات دولت با بخش خصوصی ترکیه را تأسیس کرد، اما برنامه‌های این دفتر عملاً نه به سود بخش اقتصادی مصر، بلکه صرفاً به سود فعالیت‌های بازرگانی و اقتصادی خود اخوان المسلمین تمام شد (نبوی، ۱۳۹۲: ۲۳).

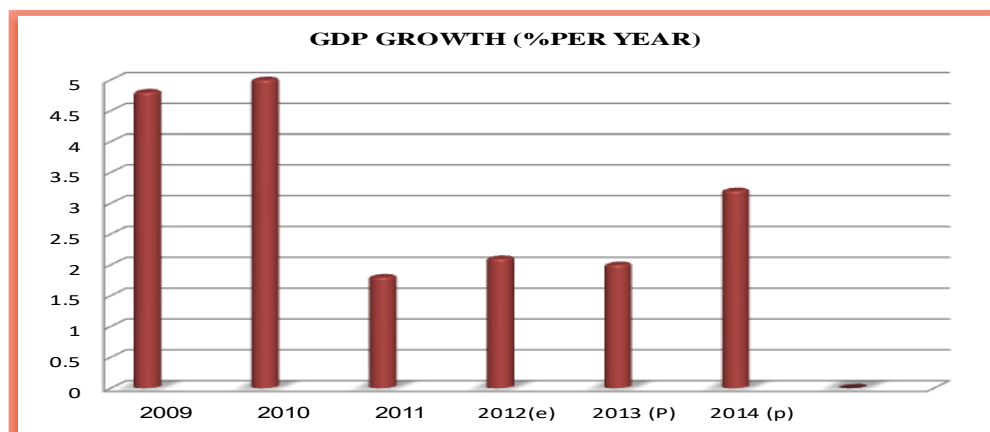
شاخص‌های اقتصادی زیر به‌خوبی بیانگر وضعیت اقتصادی مصر در دوره حکومت‌داری اخوان المسلمین

هستند:

جدول ۲- شاخص‌های کلان اقتصادی مصر در دوره حکومت‌داری اخوان المسلمین

	۲۰۰۶-۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
Real GDP growth rate (%)	۶,۳	۱,۸	۲,۳	۲,۱
Unemployment rate	۹,۳	۱۱,۸	۱۲,۶	۱۳,۳
FDI (% GDP)	۵,۹	۰,۹	۱,۵	۱,۱
National investment ratio	۱۹,۶	۱۷,۱	۱۶,۴	۱۴,۲
Private investment	۱۱,۹	۱۰,۴	۱۰,۳	۸,۸
Fiscal balance	-۷,۵	-۱۰,۰	-۱۰,۷	-۱۳,۳

(Document of the World Bank Group, 2015:3)



نمودار ۱

(Country Risk Analysis Egypt, 2013)

## ۲-۵- پرهیز از انحصارطلبی در قدرت

الف- حزب عدالت و توسعه ترکیه: مقامات حزب از جمله رجب طیب اردوغان بارها اعلام کرده‌اند که از تمام نیروهای سیاسی ترکیه در قدرت استفاده خواهند کرد و در این راستا در کنار توجه به بخش خصوصی و سرمایه‌داران اسلام‌گرای ترکیه و همین‌طور اقلیت‌های قومی و مذهبی، با ارتش و کمالیست‌ها نیز ارتباط خود را حفظ کرده و با رویکردی محافظه‌کارانه، سعی در باقی ماندن در چهارچوب سیاسی ترکیه و عدم حذف از آن و تغییر تدریجی آن دارند (خسروی، ۱۳۹۵). آن‌ها با چهره‌های شاخص دانشگاهی، تکنوکرات و گاهی چهره‌های لائیک توانستند به میانه‌روی نزدیک‌تر شوند و بسیاری از حربه‌های انتقادی مخالفان را خنثی کنند (واعظی، ۱۳۸۷، ص. ۲۳۳). اردوغان عرصه اجتماعی و سیاسی کشور را بر روی هویت‌های مختلفی چون قشر دین‌دار و اقلیت‌های غیرمسلم همچون اکراد، یهودیان، جماعت ارتدکس روم، ارامنه و سریانی‌ها باز کرد. وی بسیاری از چهره‌های کرد را به صف خود ملحق کرده، با تمامی قشرهای جامعه ترک و از جمله اکراد پیوند قوی برقرار کرد (کالین، ۲۰۱۸). هرچند

اقدامات اردوغان طی سال‌های اخیر، از قبیل بازداشت مخالفان، تأیید مصوبه شماره ۶۷۷۱ درباره اصلاحات قانون اساسی ترکیه که حاوی تغییر سیستم پارلمانی به نظام ریاستی بود و افزایش اختیارات ریاست جمهوری، یک نوع انحصارطلبی مطلق قلمداد می‌شود، اما اقدامات مثبت او در سایر حوزه‌ها باعث شده تا همچنان مردم ترکیه بیشترین اعتماد را به اردوغان و سیاست‌های حزب عدالت و توسعه داشته باشند.

ب- النهضه تونس: اعلام پایبندی نیروهای اسلام‌گرا به حکومت ائتلافی و وقوف به ضرورت حکومت ائتلافی از مهم‌ترین عوامل موفقیت نسبی اسلام‌گراهای اخوانی در تونس بود. النهضه بعد از پیروزی در اولین انتخابات بعد از انقلاب تونس، با دو حزب (التکتل) و (الموتمر) ائتلاف کرد و با در دست گرفتن پست نخست‌وزیری، ریاست‌جمهوری را به منصف المرزوقی از حزب الموتمر و ریاست پارلمان را به مصطفی بن جعفر از حزب التکتل واگذار کرد. النهضه از ابتدای حضور در قدرت موضع همکاری با سایر احزاب و جریان‌ها را داشت و تلاش کرد از انحصارطلبی در قدرت دوری کند. اعلام پایبندی نیروهای اسلام‌گرا به حکومت ائتلافی و وقوف به ضرورت حکومت ائتلافی باعث شد تا النهضه در مواجهه با مطالبات مردمی و چالش‌های تونس بعد از انقلاب، متهم اصلی نباشند (قاسمی، ۱۳۹۴: ۲۶).

با تدبیر و مدیریتی که النهضه با رهبری شخص راشد الغنوشی در تونس داشت، هرچند در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۴ قدرت را به رقیب سکولار خود یعنی حزب ندای تونس واگذار کرد، اما توانست با کسب ۶۹ کرسی از ۲۱۷ کرسی پارلمان و با اختلاف اندک نسبت به رقیب سکولار خود، به‌عنوان حزب دوم همچنان در صحنه سیاسی تونس ادامه حیات دهد. النهضه از تجربه تلخ اخوان مصر نهایت استفاده را برد که نمونه‌های آن تعامل با مخالفان و احزاب رقیب، خروج داوطلبانه از قدرت و تحویل آن به یک دولت تکنوکرات بود. النهضه بعد از انقلاب همه قدرت را در تونس در دست داشت، اما تحویل قدرت نشان‌دهنده این بود که رهبران النهضه از عقلانیت و انعطاف بیشتری از اخوان مصر برخوردارند (میرزایی، ۱۳۹۵: ۱۲).

ج- اخوان المسلمین مصر: عدم توجه به گروه‌های متعدد درون مصر از جمله عوامل ناکامی اخوان مصر در امر حکومت‌داری بود. اخوان المسلمین ابتدا اعلام کرده بود تنها به در اختیار داشتن پارلمان بسنده خواهد کرد، اما در یک تصمیم ناگهانی، تلاش کرد تا ریاست جمهوری را نیز در دست گیرد. مرسی پیش از آنکه کابینه خود را تشکیل دهد وعده داده بود که کابینه اتحاد ملی تشکیل دهد و نخست‌وزیری را در اختیار گروه‌های مقابل بگذارد و همچنین وزارتخانه را میان گروه‌های مختلف سیاسی تقسیم کند، اما به وعده خود عمل نکرد (مهتدی، ۱۳۹۱: ۱). مرسی در انتخاب مسئولان، کمتر معیارهایی همچون علم، شایستگی و لیاقت را در نظر گرفته به‌عبارتی دیگر شایسته‌سالاری را در انتخاب مسئولان لحاظ نکرد و تمام مناصب دولتی و حکومتی را با افرادی از جماعت اخوان المسلمین پر کرد که این اقدام وی را گامی در راه اخوانی کردن دولت و کشور مصر تلقی می‌کنند؛ بنابراین، این رویکرد ضمن ایجاد نگرانی در احزاب و جریان‌های معارض، باعث شد تا اخوان به‌تنهایی در مقابل انتظارات و مطالبات مردمی قرار



گیرد و تمام سهم عدم موفقیت‌ها به نام اخوان ثبت شود. فقدان تجربه اخوان المسلمین در کشورداری و عدم تمایل آن به مشارکت دیگران در قدرت، حل مشکلات مصر را سخت‌تر کرد. همچنین اخوان المسلمین مصر وقتی با اعتراض‌ها و وضعیت بحرانی علیه خود مواجه شد، به جای مدیریت و عقب‌نشینی تاکتیکی و موقتی در مقابل مخالفان، با پافشاری بر ادامه سیاست‌های خود، فضای تقابلی در جامعه ملتهب مصر ایجاد کرد. در واقع اخوان فاقد عقلانیت و تدبیری بود که النهضه تحت رهبری راشد الغنوشی در مدیریت بحران‌ها از آن بهره می‌برد، و با اتخاذ رویکرد تقابلی، ناخواسته در دامی افتاد که مخالفان داخلی و خارجی برای آن پهن کرده بودند. در طی اعتراضات به بیانیه قانون اساسی، اخوان المسلمین از هواداران خود درخواست برگزاری تظاهرات کرد. این عمل به افزایش تلفات مردمی منتهی شد و مدیریت بحران را از فرایندهای سیاسی و کمتر خشونت‌آمیز خارج ساخت و همه این‌ها بهانه‌ای شد برای آنکه گروه‌های مخالف اخوان را مسئول کشتار مردمی بدانند.

### ۳-۵- کنترل و تعامل با ارتش

الف- حزب عدالت و توسعه ترکیه: در سال ۲۰۰۴ میلادی گروهی از فرماندهان ارتش تلاش کردند با این استدلال که حزب عدالت و توسعه به دنبال برقراری حاکمیت اسلامی در ترکیه است زمینه منع فعالیت این حزب را فراهم آورند (واعظی، ۱۳۸۷: ۲۲۹) اما این حزب توانسته با رویکردی جدید و رعایت اعتدال در زمینه مسائل حاد کشور و توجه به اصول و معتقدات سکولاریسم تا حدودی روابط نظامیان با اسلام‌گرایان را بهبود بخشد. هرچند عملکرد حزب عدالت و توسعه در زمینه‌های داخلی و بین‌المللی موجبات نگرانی نظامیان را فراهم آورده بود، و در پی کودتای نافرجام ارتش در سال ۲۰۱۶ اردوغان شروع به پاک‌سازی ارتش کرد، با این حال وی تلاش کرده تا تقابل موجود بین اسلام‌گرایان و نظامیان را در ترکیه کاهش دهد و با تعدیل اصول و معتقدات خود و احترام به نظام سکولار تا حدودی آزادی اجتماعی و مذهبی را در جامعه ترکیه ترویج دهد (جلالی، ۱۳۹۱: ۸۷).

ب- النهضه تونس: در پی تحولات ۲۰۱۱ تونس و فرار بن علی از این کشور، ارتش در تونس به شدت بی‌طرفانه عمل کرد و علیه نیروهای اسلام‌گرا و انقلابی واکنش نشان نداد. اگرچه شاید نتوان بی‌طرفی ارتش را یک عامل تعیین‌کننده دانست، اما به‌عنوان یک عامل تشدیدکننده در پیروزی اسلام‌گراها مؤثر بوده است، زیرا ممکن بود دخالت ارتش، انقلاب را به تعویق بیندازد. واقعیت این است که با توجه به ساختار منضبطی که ارتش برای خود ترسیم و رسالت‌های فرامرزی برای خود اختیار کرده است، قدرت النهضه برای چانه‌زنی با سران ارتش افزایش یافت و توانست نظر مساعد و مثبت ارتش را برای حفظ تمامیت ارضی تونس و استمرار فعالیت‌ها و روندهای آتی کسب کند؛ بنابراین، آنچه فرایند آرام انتقال قدرت در تونس را به دنبال داشت، ناشی از سطح رایزنی حزب النهضه با ارتش و پابندی ارتش به مصالح و موازین ملی بود که نوعی سیاست صبر و انتظار را پیش روی ارتش قرار داد که بتواند این مرحله انتقالی قدرت را به آرامی شاهد باشد.

ج- اخوان المسلمین مصر: برخلاف حزب عدالت و توسعه ترکیه، اخوان المسلمین مصر نتوانست در برقراری

ارتباط با ارتش مناسب عمل کند. به‌رغم صدور احکام حاکمیتی ۱۱ آگوست و برکناری طنطاوی از وزارت دفاع و سامی عنان از ریاست ستاد مشترک ارتش توسط مرسى، و انتقال اختیارات شورای نظامی به رئیس‌جمهور، ارتش از پتانسیل کنشگران جامعه که مخالف سیاست‌های اخوان بودند به نفع خود حداکثر بهره‌برداری را کرد و با این دلیل که متعهد به حفظ منافع عمومی است مجدداً به دخالت در سیاست مبادرت ورزید (نبوی و ابراهیم نیا، ۱۳۹۳: ۴۷). این بحران نشان داد بسیاری از مصری‌ها و حتی نخبگان سیاسی مصری بر نقش ارتش به‌عنوان آخرین پشتیبان امنیت و ثبات و مهم‌ترین بازیگری که می‌تواند در برابر زیاده‌خواهی‌های حاکمان جدید مصر بایستد، می‌نگرند.

مرسى از نقش تاریخی ارتش در مصر، محبوبیت آن در میان مردم به علت خاطرات ناصرسم و جنگ با اسرائیل و نقش آن در کنار رفتن مبارک غفلت ورزیده بود. او طنطاوی را از فرماندهی ارتش کنار زد و سیسی را بجای وی آورد، اما نتوانست رابطه خوبی را با وی حفظ کند و حتی شایعاتی در مورد صدور حکم برکناری وی از طرف مرسى وجود داشت. ماجراجویی خارجی دولت اخوانی نیز به درگیری مرسى با ارتش منتهی شده بود. اولین ماجراجویی با اتیوپی بود. مرسى در برابر اعلام بنای سد النهضه اتیوپی، که سهم مصر از آب نیل را به میزان یک‌سوم کاهش می‌داد، این کشور را به اقدام نظامی تهدید کرد. این امر بدون هماهنگی با ارتش صورت گرفته بود. دومین ماجراجویی، قطع رابطه با سوریه و تهدید ضمنی آن به مداخله بود (نبوی، ۱۳۹۲: ۲۲). در این جریان، ارتش اختلاف با مرسى را علنی کرد و اعلام کرد که قصد مداخله در بحران سوریه را ندارد. باید توجه داشت که در انتخابات ریاست جمهوری مصر در سال ۲۰۱۴، ۴۷/۵ درصد از واجدین شرایط شرکت کردند و هرچند گفته می‌شود با تقلب، ۹۷ درصد از این میزان به سیسی رأی دادند، اما در مقایسه با انتخابات بعد از مبارک، این اولین بار بود که نزدیک به نیمی از واجدین شرایط در همان دور اول در انتخابات شرکت کردند و رئیس‌جمهور با اختلاف رأی فاحش انتخاب شد. این موضوع از محبوبیت ارتش در میان مردم به نسبت سایر گروه‌ها و احزاب خبر می‌دهد. محبوبیت و جایگاه ارتش در جامعه مصر باعث شد مداخله ارتش در این برهه، نه تنها مذموم نباشد، بلکه نوعی رسالت تاریخی به شمار آید.

#### ۴-۵- سیاست خارجی

**الف- حزب عدالت و توسعه ترکیه:** حزب عدالت و توسعه پس از به قدرت رسیدن، به‌روزرمان، جهت‌گیری رسمی ترکیه را درباره مسئله فلسطین تغییر داد و با وجود حفظ برخی اصول ثابت و دیرینه آنکارا با اسرائیل، موفق شد روابط خود را با کشورهای عربی و اسلامی تقویت کند (واعظی، ۱۳۸۷، ص. ۲۲۹). از زمان دستیابی حزب عدالت و توسعه به قدرت در ترکیه نوعی توازن در روابط ترکیه با اسرائیل و فلسطینی‌ها برقرار شد، حتی می‌توان گفت در برخی مقاطع کفه این ترازو بیشتر به نفع فلسطین سنگین شد و دیدارهای رسمی مقامات ترکیه از فلسطین پس از به قدرت رسیدن این حزب افزایش یافت (خسروی، ۱۳۹۵). از طرفی تقبیح اقدامات خشن اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی، به افزایش محبوبیت این حزب در افکار عمومی کمک کرد.

دولت اردوغان، روابط مناسبی نیز با غرب برقرار کرد. علی‌رغم تنش‌هایی که اردوغان با آمریکا در خصوص دخالت این کشور در ترکیه یا برخی از پرونده‌های منطقه داشته، تلاش کرده تا روابطش با آمریکا تیره نشود. همچنین حزب حاکم سعی کرد بسیاری از خواسته‌های اروپایی‌ها را برآورده کند، تا شاید به عضویت این اتحادیه درآید (واعظی، ۱۳۸۷: ۳۳). در کل می‌توان گفت حزب عدالت و توسعه ترکیه، ضمن حفظ روابط با غرب، در پی گسترش روابط با جهان اسلام و شرق هم بوده است. حزب تأکید دارد که سیاست خارجی ترکیه باید شایسته تاریخ و جایگاه جغرافیایی خود باشد، از پیش‌داوری‌ها دوری کند و منافع متقابل را در نظر گیرد و واقع‌گرا باشد. برای درک رفتارهای حزب عدالت و توسعه باید توجه داشت، به‌رغم اینکه این حزب یک حزب اخوانی تلقی می‌شود، اما فاصله زیادی با اندیشه‌های اسلام‌گرایانه اخوان‌المسلمین مادر دارد؛ بنابراین، این حزب را نمی‌توان به معنای کامل کلمه یک حزب اسلام‌گرا دانست. هرچند این حزب در طول ۱۵ سال قدرت خود اجرائیات و گفتمان‌های اسلام‌گرا داشته است، اما ارائه چهره‌ای اسلام‌گرا از خود بیش از آنکه ناظر به حقایق باشد، ناظر به جو تبلیغاتی رسانه‌ای و نوشتارهای مطبوعاتی است (بورسا، ۱۳۹۷). رفتاری که برخی از آن به «نقاب هدفمند» تعبیر می‌کنند (عصر ایران، ۱۳۹۷). حزب عدالت و توسعه در داخل، معتقد به سکولاریسم است و در حوزه سیاست خارجی مانند سایر احزاب راست، سیاستی ناتو محور، امریکاگرا و متمایل به افزایش روابط با اسرائیل را از خود بروز داده است. این حزب به تحولات موجود در جهان اسلام نیز نگاهی کاملاً سیاسی و عاری از رویکرد دینی یا مذهبی دارد (بورسا، ۱۳۹۷)، به همین دلیل در حمایت از مسئله فلسطین، گاهی بر صورت رژیم صهیونیستی چنگ می‌اندازد و درعین حال گسترش روابط با این رژیم را نیز دنبال می‌کند. هوشمندی و زیرکی رهبران این حزب در ارائه چهره‌ای اسلام‌گرا از خود هم‌زمان با پیشبرد سیاست‌های غرب‌گرایانه و پراگماتیستی از عوامل موفقیت آن به شمار می‌رود.

**ب- النهضه تونس:** رعایت تعهدات خارجی تونس، اعطای امتیازات به غرب و تقویت همکاری با ایالات‌متحده و اتحادیه اروپا راهبرد النهضه در سیاست خارجی و تعامل با غرب بود. النهضه در جهت کسب اعتماد غرب، تلاش کرد حرف‌های اطمینان بخشی از سیاست‌ها و برنامه‌های خود بزند و با مطرح نکردن برخی سخنان حساسیت‌برانگیز (ضد‌عربی و ضدصهیونیستی) اطمینان غرب را از حضور خود در قدرت به دست بیاورد. نیاز النهضه به کمک‌های کشورهای غربی و عربی و وابستگی اقتصاد تونس به حضور توریست‌های غربی محدودیت‌هایی را برای النهضه در تعامل با غرب در پی داشت.

در ارتباط با کشورهای عربی نیز، با اینکه غنوشی بعد از تحولات بیداری اسلامی در منطقه از تمایل به تحول در سایر کشورهای عربی نیز سخن گفته بود، اما در مجموع رویکرد بازگشت و ادغام حداکثری با جهان عرب را دنبال می‌کرد و تلاش کرد تا موضع چالش‌برانگیز در مقابل آن‌ها اتخاذ نکند. البته بعضاً از کمک‌های کشورهای عربی چون قطر که از حامیان اصلی جریان اخوانی در منطقه است، نیز بهره‌مند شد.

ج- اخوان المسلمین مصر: در موضوع سیاست خارجی اخوان مصر، باید اذعان کرد که دولت اخوانی از نبود یک سیاست خارجی راهبردی و منسجم رنج می‌برد. برخی از اشتباهات اخوان و مرسی در یک سال تجربه حکومت‌داری در حوزه سیاست خارجی عبارت بودند از:

**برآورده نشدن انتظارات مردم مصر در روابط با رژیم صهیونیستی:** هآرتص عنوان می‌کند دوران ریاست جمهوری مرسی یکی از بهترین دوران تاریخ تشکیل اسرائیل به شمار می‌رفت. اسرائیل گمان می‌کرد با روی کار آمدن مرسی که مسلمان است، روابط دو کشور دچار تنش مضاعف می‌شود، ولی در دوران ریاست جمهوری مرسی دو کشور بیشتر از گذشته به هم نزدیک شده بودند (Haaretz, 2013). مرسی از همان ابتدای کار پایبندی کامل خود را به پیمان کمپ دیوید اعلام کرد و در جهت آن کوشید، زیرا در کمال ناباوری نامه مرسی به شیمون پرز عملاً به معنای پایبند بودن به توافقنامه کمپ دیوید و حفظ وضعیت گذشته تعبیر می‌شد. یکی از خواسته‌های مردم مصر، تعطیلی سفارت اسرائیل در قاهره و تجدیدنظر در روابط با این رژیم بود و بارها مردم به این سفارت در قاهره حمله کردند و کنترل و اسناد آن را در اختیار گرفتند، اما دولت محمد مرسی از واکنش مورد انتظار به این موضوع خودداری کرد.

**عدم موفقیت در برقراری رابطه با یک نیروی خارجی قدرتمند:** رویکرد اخوان، وحدت جهان اسلام و مقابله با رژیم صهیونیستی بوده است، اما با آمدن مرسی روابط میان آن‌ها با ایران و سوریه رو به وخامت نهاد. این موضوع با مشی تاریخی اخوان در تضاد بود. از طرف دیگر، اخوانی‌ها سعی داشتند تا خود را به‌عنوان الگوی ناب جهان اسلام معرفی کنند و این باعث نارضایتی عربستان بود. البته مصر همواره رقیب تاریخی عربستان در رهبری جهان اسلام بوده است. از طرفی اعتماد بیش‌ازحد اخوان به امریکا و غرب و تلاش برای جلب اعتماد امریکا این تصور را در اخوانی‌ها ایجاد کرده بود که امریکا حامی آن‌ها است و از حمایت یک ابرقدرت برخوردارند. نوع تعامل اخوانی‌های به قدرت رسیده در مصر با امریکا به‌گونه‌ای بود که حتی مورد اعتراض برخی شخصیت‌های ملی قرار گرفت، چون معتقد بودند رهبران جدید مصر از سوی امریکا اغوا و شیفته توجهات آن‌ها شده‌اند (Sheridan, 2011). حسنین هیکل، اندیشمند مشهور مصری، در موضعی انتقادی تأکید کرد که حمایت امریکا از جنبش اخوان المسلمین در مصر برای فتنه‌انگیزی در جهان اسلام است. وی تصریح کرد: همکاری امریکا و غرب با جنبش اخوان المسلمین به علت به رسمیت شناختن حق این گروه نیست، بلکه بر اساس توصیه بعضی مستشرقان انجام می‌شود. حسنین هیکل افزود: سرمستی اخوان المسلمین از حمایت‌های امریکا و غرب به این جنبش اجازه نداد که انگیزه واقعی آن‌ها را از به رسمیت شناختن اخوان المسلمین بررسی کنند (هیکل، ۱۳۹۱).

روسیه نیز از سرایت اخوانی‌ها به چین، قفقاز شمالی و جنوبی هراس داشته است و از همین رو قبل از همه کشورها آن‌ها را تروریست نامیده بود. شاید اگر یکی از این قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی هوادار اخوان بودند، آن‌ها به این سرعت از قدرت کنار زده نمی‌شدند. تنها ترکیه و قطر بودند که حمایت خود را از اخوان حفظ کردند. قطر از آن‌ها به‌عنوان ابزار فشاری برای یک‌تازی عربستان در شورای همکاری

خلیج بهره می‌برد و حکومت اردوغان و حزب عدالت و توسعه ترکیه نیز از مشی تفکری اخوانی برخوردار بودند.

**دوری از ایران و محور مقاومت:** در موضوع سوریه، مرسی اقدام به قطع روابط با این کشور کرد. اختلاف در رابطه با شیعیان و حکومت بشار اسد علاوه بر اینکه باعث ایجاد اختلافات درونی در اخوان شده بود، موجبات دور شدن از ایران به‌عنوان یکی از قدرت‌های منطقه‌ای و جهان اسلام را نیز فراهم کرد. در اخوان سنت‌گرایی چون عاکف بر عدم پیش کشیده شدن موارد اختلافی تأکید داشتند و معتقد بودند مشی اخوان بر وحدت جهان اسلام در مقابل دشمنان مشترک است، اما اصلاح‌طلبان دیدگاه تندی به ایران و شیعه داشته‌اند (عارف، ۱۳۹۲).

اظهارات ضد محور مقاومت محمد مرسی موجب شده بود که اختلافات مذهبی بین شیعیان و اهل تسنن منطقه افزایش یابد. برخی از مردم مصر تصمیم مرسی در قطع روابط با دمشق را هم‌نوایی با امریکا خواندند و معتقدند عملکرد مرسی در خصوص روابط با دمشق و تل‌آویو دوگانگی اخلاقی بود، این وضعیت در خصوص رابطه با جمهوری اسلامی ایران نیز صدق می‌کند، زیرا درحالی‌که یک شهروند مصری امکان برقراری تماس تلفنی با جمهوری اسلامی ایران را نداشت؛ برقراری تماس تلفنی با رژیم صهیونیستی از داخل مصر به‌آسانی امکان‌پذیر بود (بغیری، ۱۳۹۳: ۱۳۰). دولت سیسی با علم به پیامدهای سیاست‌های دولت مرسی، و در راستای پاسخگویی به مطالبات عمومی در خصوص سوریه، سفارت سوریه را در قاهره بازگشایی کرد.

در مجموع، اخوان با در پیش گرفتن برخی سیاست‌ها از جمله تهدید اتیوپی به اقدام نظامی، قطع رابطه با سوریه و تهدید ضمنی آن به مداخله و مخالفت با سیاست‌های منطقه‌ای ایران، یک سیاست خارجی تنش‌زا را اتخاذ کرد. این رویکرد باعث شد نظامی که به‌تازگی در حال شکل‌گیری بود، ضمن فراهم کردن مخالفت‌های داخلی از جمله ارتش به‌عنوان مهم‌ترین نهاد قدرتمند در مصر، از حمایت‌های کشورهای منطقه‌ای همچون جمهوری اسلامی نیز خود را محروم سازد. در مقابل اخوان‌المسلمین گرایش به عربستانی پیدا کرد که مخالفت ذاتی خود را با جریان اخوانی و حاکمیت آن‌ها در منطقه طی سال‌ها و دهه‌های گذشته به اثبات رسانده بود.

جدول ۳: میزان موفقیت الگوبرداری اخوان‌المسلمین تونس و مصر از تجربه حکومت‌داری حزب عدالت و توسعه ترکیه

شاخص‌ها	حزب عدالت و توسعه ترکیه	النهضة تونس	اخوان‌المسلمین مصر
۱ عملکرد اقتصادی	+	-	-
۲ پرهیز از انحصارطلبی در قدرت	+	+	-
۳ کنترل و تعامل با ارتش	+	+	-
۴ سیاست خارجی	+	- +	-

## نتیجه‌گیری

با اینکه اخوان مصر و تونس حزب عدالت و توسعه ترکیه را به‌عنوان یک الگوی موفق حکومتی برای خود نام می‌بردند، اما بررسی تجربه حکومت‌داری اخوان در مصر و تونس نشان می‌دهد با چهار شاخصی که در این مقاله مبنای مقایسه قرار گرفت، حزب عدالت و توسعه ترکیه به‌عنوان الگوی موفق، توانسته در همه این شاخص‌ها عملکرد مثبت و مناسبی داشته باشد و این مسائل باعث استمرار حضور آن‌ها در قدرت شده است.

با اینکه در حوزه داخلی مهم‌ترین پاشنه آشیل النهضه، عملکرد ضعیف اقتصادی و عدم رضایت مردم از آن‌ها بود، اما این حزب توانست با هوشمندی از تقابل با جریان‌های رقیب و معترض پرهیز کرده و اجازه نداد تا گروه‌های رقیب و مخالفان، با بحرانی کردن اوضاع کشور، شرایط را برای النهضه به شرایط قبل از انقلاب تونس تغییر دهند. این حزب در حوزه سیاست خارجی نیز تلاش کرد با اطمینان بخشی به غرب و دوری از ایجاد حساسیت در رابطه با بازیگران غربی - عربی، نگرانی‌های آن‌ها از حضور خود در قدرت را تا حدودی رفع کند. النهضه با تجربه‌اندوزی از اخوان مصر و الگوبرداری از حزب عدالت و توسعه ترکیه، تلاش کرد به‌رغم واگذاری حکومت به رقیب سکولار خود، همچنان به‌عنوان یک حزب و جریان اصلی و تأثیرگذار در صحنه سیاسی تونس حضور داشته باشد؛ بنابراین، النهضه با وجود واگذاری قدرت به رقیب سکولار خود در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۴، به‌عنوان یک تجربه و الگوی نسبتاً موفق در حوزه حکومت‌داری توانست با رفع تهدیدات، بقای خود در عرصه سیاسی تونس را تضمین کند.

اما اخوان المسلمین مصر با اینکه طی دهه‌های گذشته تلاش کرده بود با فعالیت‌های مدنی و مردم‌نهاد جایگاه مناسبی را در مصر کسب کند و پشتوانه‌ای برای پیروزی آن در انتخابات شد، با ناتوانی در حل مشکلات اقتصادی و رفع بخشی از مشکلات معیشتی مردم مصر، انحصارطلبی در قدرت، عدم توجه به گروه‌های متعدد درون مصر و اتخاذ رویکرد تقابلی در برابر رقیبان، عدم موفقیت در برقراری ارتباط مناسب با ارتش، اعتماد بیش‌ازاندازه به امریکا و در پیش گرفتن یک سیاست خارجی تنش‌زا، یک دوره یک‌ساله ناموفق در حکومت‌داری را تجربه کرد و نهایتاً با کودتای ارتش از قدرت ساقط شد. در واقع اخوان المسلمین نه در عرصه داخلی و نه عرصه خارجی، سیاست‌های موفق‌تری را به اجرا گذاشت و تراکم مشکلات و چالش‌ها در داخل و عدم بهره‌مندی از حمایت خارجی باعث شد تا اخوان المسلمین مصر یک تجربه ناموفق حکومت‌داری را پشت سر بگذارد. با مقایسه‌ای که بین سه تجربه حکومتی انجام شد، هر دو جریان اخوانی و حزب عدالت و توسعه ترکیه در حوزه سیاست خارجی تلاش کردند تا با نزدیک شدن به غرب و اعتمادسازی و اطمینان بخشی به آن‌ها، از اتخاذ سیاست‌های حساسیت‌برانگیز و مخالف منافع غرب پرهیز کنند؛ بنابراین، این مسئله نقطه مشترک تجربه حکومت‌داری آن‌ها در منطقه بوده و است، اما آنچه اخوان مصر را متفاوت از حزب عدالت و توسعه ترکیه و النهضه تونس کرد، اعتماد بیش‌ازحد اخوان به امریکا و اتخاذ یک سیاست خارجی تنش‌زا و همسویی با سیاست‌های عربستان در منطقه (با وجود اختلافات ذاتی که عربستان با حکومت اخوانی‌ها در منطقه دارد) بود. در کنار این مسئله،

عملکرد نامناسب اقتصادی و انحصارطلبی در قدرت به عنوان دو عامل اساسی در شکست اخوان المسلمین مصر محسوب می شود.

اگر اخوان بعد از انقلاب فقط به حضور حداکثری در پارلمان اکتفا می کرد و ریاست جمهوری را به یکی از جریانان غیر اخوانی، اما همسو واگذار می کرد، شاید اکنون اخوان تجربه ای متفاوت از تجربه تلخ کنونی داشت. اقدامی که از سوی جریان اخوانی تونس یعنی النهضه به خوبی مدیریت شد و این حزب با اکتفا به نخست وزیری، ریاست جمهوری را در اختیار جریان دیگری، اما همسو با خود قرار داد. این اقدامات النهضه، راهبرد بسیار تأثیرگذار و مدیریت شده ای بود که اخوان مصر به رغم سوابق زیاد و جایگاه مهمی که در جهان اسلام به عنوان مادر سایر جریانان اخوانی دارد، از آن ها غافل شد و در نهایت به وضع کنونی گرفتار آمد. باین حال باید گفت اخوان المسلمین مصر به دلیل تاریخچه قوی، وجود پشتیبان مردمی و حاکمیت خردگرایی و عمل گرایی در این جمعیت، توان بازیابی جایگاه گذشته خود را دارد، اما بازگشت به این جایگاه باید با نگاه به یک سال حکومت داری خود در مصر و کسب تجربه و درس از اشتباهات گذشته باشد.

### کتابنامه

۱. ابراهیم، محمد. (۱۳۸۷). *جمعیت اخوان المسلمین مصر*. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
۲. احمدزاده، داوود (۱۳۹۳). *جایگاه و قدرت اقتصادی ارتش در مصر*. مرکز بین المللی مطالعات صلح، قابل دسترسی در:
- <http://peace-ipsc.org/fa/>
۳. اسماعیلی، مصطفی؛ عوض پور، مهدی. (۱۳۹۳). *اسلام سیاسی در تونس: از مشیت آهنین بن علی تا انقلاب یاسمین*. تهران: دانشگاه امام صادق.
۴. بغیری، علی (۱۳۹۳). *بررسی سطح دگردیسی اخوان المسلمین مصر پس از شکست سیاسی ۲۰۱۳*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
۵. بورس، رمضان (۱۳۹۷/۲/۲). «حزب عدالت و توسعه، از لیبرالیسم تا اسلام گرایی»، قابل دسترسی در: <http://okhowah.com/fa/11130>
۶. پایگاه بصیرت (۱۳۹۲/۵/۳). «واکاوی جایجایی قدرت در مصر؛ بازیگران، اهداف و چشم انداز آینده»، برگرفته از پایگاه تحلیلی بصیرت، قابل دسترسی در:
- <http://basirat.ir/fa/news/259856/>
۷. جدعان، فهمی. (۱۹۷۸). *اسس التقدم عند مفکری الاسلام*. قاهره: دارالشروق.
۸. جلالی، رضا (۱۳۹۱). *چشم انداز روابط ارتش ترکیه و حزب عدالت و توسعه*. فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، تهران: دانشگاه آزاد، ۵(۱۸)، ۹۲-۷۳.

۹. خامه‌یار، عباس. (۱۳۹۰). *ایران و اخوان المسلمین عوامل همگرایی و واگرایی*. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۱۰. خانی، علی (۱۳۸۸/۹/۲۲). «مشروعیت و کارآمدی در نظام سیاسی»، روزنامه رسالت، شماره ۶۸۷۳.
۱۱. خسروی، بهنام (۱۳۹۵/۵/۱۲). «واکاوی ایدئولوژی حزب عدالت و توسعه ترکیه»، روزنامه جوان.
۱۲. دارا، جلیل؛ مصطفی، کرمی (۱۳۹۲). نقش اخوان المسلمین در انقلاب ۲۰۱۱ مصر، در پرتو رابطه ساختار-کارگزار، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۳(۸)، ۲۷-۵۴.
۱۳. ذوالفقاری، سید محمد (۱۳۹۰). بازخوانی اسلام سیاسی در تونس، *پژوهش‌های منطقه‌ای*، ۶ ۵۱-۱۵.
۱۴. روزنا، جیمز. (۱۳۸۴). *آشوب در سیاست جهان*. ترجمه علیرضا طیب، تهران: روزنه.
۱۵. سلطانی، محمدجواد (۱۳۹۳). شاخص‌های اقتصادی تونس در دولت النهضه و مقایسه آن با سه سال اخیر حکومت بن علی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۲۴۹، ۲۵-۲.
۱۶. شکیبایی، مهدی (۱۳۹۰/۵/۲۵). «رو‌یای (اخوانی) شدن حزب حاکم ترکیه»، قابل دسترسی در: <http://qudsonline.ir/news/5324/>
۱۷. عارف، احمد (۱۳۹۲/۱/۲۰). «پاسخ یکی از اعضای اخوان المسلمین به ولایتی»، قابل دسترسی در: <http://www.tabnak.ir/fa/news/312614>
۱۸. العریان، عصام (۱۳۹۰/۹/۱۸). «نگاهی به اخوان المسلمین در گفت‌وگو با عصام عریان (سخن‌گو و رئیس دفتر سیاسی اخوان المسلمین)»، قابل دسترسی در: <http://eslahe.com/3280/>
۱۹. عصر ایران (۱۳۹۷/۲/۱۵). «آیا اعتدال و توسعه ترکیه واقعاً یک حزب اسلام‌گراست؟»، قابل دسترسی در: <http://www.asriran.com/fa/news/43515>
۲۰. الغنوشی، راشد (۱۳۹۰/۸/۲۱). «رو‌یای ما همراه کردن اسلام و نوگرایی است»، قابل دسترسی در: <http://eslahe.com/3246/>
۲۱. قاسمی، مصطفی. (۱۳۹۲). *بررسی عملکرد النهضه تونس بعد از انقلاب*. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۴۴.
۲۲. کالین، ابراهیم (۲۰۱۸/۹/۲۳). «علل پیروزی رجب طیب اردوغان در انتخابات ۲۴ ژوئن ۲۰۱۸»، قابل دسترسی در: <http://www.trt.net.tr/persian/thlyl-w-gzrsh/2018/06/28/Il-pyrwzy-rjb-tyb-rdwn-dr-ntkhbt-24-jwy-n-1001999>
۲۳. محمدی، فاطمه (۱۳۹۵/۵/۵). «تأثیر اخوان المسلمین بر روابط ترکیه و مصر»، قابل دسترسی در: <https://www.mehrnews.com/news/3722741>
۲۴. محمود، محمد (۱۳۹۵/۱۱/۱۵). «تجربه توسعه موفق اسلام‌گرایان در ترکیه»، ترجمه عبدالخالق احسان، قابل دسترسی در:



<http://akhlaqmarefat.com/?p=1100>

۲۵. مهتدی، محمدعلی (۱۳۹۱/۱۲/۶). «سایه سهم خواهی سیاسی بر فراز انقلاب مردمی»، دیپلماسی ایرانی، قابل دسترسی در:

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1913029/>

۲۶. مؤمنی، قاسم (۱۳۹۵/۱۱/۲۳). «اردوغان انحصار قدرت سیاسی و امنیتی را به امضا رساند»، قابل دسترسی در:

<https://fa.shafaqna.com/news/326894/>

۲۷. میرزایی، حسین. (۱۳۹۵). *روابط النهضه با بازیگران خارجی و نقش آن‌ها در بازخیزی یا انزوای آینده/خوان*. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

۲۸. میشل، ریچارد. (۱۳۹۰). *تاریخ جمعیت اخوان المسلمین از آغاز تا امروز*. ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران: وزارت امور خارجه.

۲۹. نبوی عبدالامیر؛ ابراهیم نیا، حسین (۱۳۹۳). *اخوان المسلمین و النهضه: عقاید مشابه مسیر متفاوت، فصلنامه علوم سیاسی*، ۱۰ (۲۹)، ۵۴-۲۹.

۳۰. نبوی، عبدالامیر (۱۳۹۲/۴/۱۹). «بررسی تحولات مصر با تأکید بر علل سقوط محمد مرسی»، گزارش نشست تخصصی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قابل دسترسی در:

<https://rc.majlis.ir/fa/news/show/852486>

۳۱. هیکل، حسنین (۱۳۹۱/۵/۲۴). «رابطه اخوان با آمریکا»، قابل دسترسی در:

<https://www.khabaronline.ir/news/236163/>

۳۲. واعظی، محمود. (۱۳۸۷). *سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه*. تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص، گروه پژوهش سیاست خارجی.

۳۳. الوقت (۱۳۹۵/۳/۲۲). «چرا جنبش النهضه تونس، اسلام اخوانی را کنار گذاشت؟»، قابل دسترسی در:

<http://alwaght.com/fa/News/56894>

## Referenc

1. Aboammar (2017). Why did the Egyptian Muslim Brotherhood fail in their governance? Available at: <http://www.khorshed.org/?p=8184,1> September 2017(in Arabic)
2. Ahmadzadeh, Davoud (2014). The economic position of the military in Egypt; *International Peace Studies Centre*, 17 May 2014. (in Persian)
3. Al-Arian, Essam (2011). A look at the Muslim Brotherhood in an interview with Essam al-Arian, Muslim Brotherhood's Political Office Chief and Spokesman, 9 Desember 2011, Available at: <http://eslahe.com/3280/>(in Persian)
4. Alwaqt (2016). Why did Tunisia's Annahda shelve Muslim Brotherhood version of Islam?, 11 June 2016, Available at: <http://alwaght.com/fa/News/56894>(in Persian)

5. *Andishe Sazan-e Noor Institute for Strategic Studies* (2015). Examining the Egyptian Muslim Brotherhood's metamorphosis after the 2013 political failure, 26 January 2015. (*In Persian*)
6. Asrirannews (2018). Is the Turkish Justice and Development really an Islamist party?, 5 May 2018, Available at: <http://www.asriran.com/fa/news/43515>(*in Persian*)
7. Aydin-DÜZGİT, Senem(2014).The Seesaw Friendship Between Turkey's AKP and Egypt's Muslim Brotherhood, Carnegie Endowment for International Peace, July 24, 2014, Available at: <http://carnegieendowment.org/2014/07/24/seesaw-friendship-between-turkey-s-akp-and-egypt-s-muslim-brotherhood-pub-56243>
8. Basirat News and Analysis website (2013). Examining the power transfer in Egypt; the actors, goals, and the future outlook, Available at: *Basirat News and Analysis website*, 25 July 2013. (*in Persian*)
9. Benli Altunışık, Meliha (2013). TURKEY AFTER THE ARAB UPRISINGS: DIFFICULTIES OF HANGING ON IN THERE, Analysis No. 223, December 2013, Available at: [https://www.ispionline.it/sites/default/files/pubblicazioni/analysis\\_223\\_2013\\_0.pdf](https://www.ispionline.it/sites/default/files/pubblicazioni/analysis_223_2013_0.pdf)
10. Bursa, Ramadan (2018). Justice and Development Party, from liberalism to Islamism, 22 April 2018, Available at: <http://okhowah.com/fa/11130>(*in Persian*)
11. Country Risk Analysis Egypt (2013). 14/05/2013, Available at: <https://www.ekn.se/globalassets/dokument/landriskanalyser/nordafrikamellanostern2013/landriskanalys-egypten-maj-2013-eng-extern.pdf>
12. Dara, Jalil. Mostafa Karami (2013). Muslim Brotherhood's role in the Egyptian 2011 revolution under the light of the agent-structure relations principle, *Journal of Political Research in Islamic World*, No 8, Autumn 2013, pp 27-54. (*in Persian*)
13. Document of the World Bank Group (2015)," ARAB REPUBLIC OF EGYPT", Report No.: 94554-EG, NOVEMBER 20, 2015, Available at: <http://documents.worldbank.org/curated/en/773051468197407822/pdf/94554-REVISED-R2015-0231-PUBLIC-disclosed-12-21-15-Box394824B.pdf>
14. Ebrahim, Mohammad and others (2008). *Egyptian Muslim Brotherhood*, Tehran: Andishe Sazan-e Noor Institute for Strategic Studies. (*in Persian*)
15. El-Sherif, Ashraf (2014)." The Egyptian Muslim Brotherhood's Failures", July 01, 2014, Available at: <https://carnegieendowment.org/2014/07/01/egyptian-muslim-brotherhood-s-failures-pub-56046>
16. Esmaeili, Mostafa. Evazpour, Mahdi (2014). *Political Islam in Tunisia: From Bin Ali's iron fist to the Jasmine Revolution*, Tehran: Imam Sadiq University. (*in Persian*)
17. Four reasons why Israel may miss Morsi after all, HAARETZ, Available at: <https://www.haaretz.com/israel-news/.premium-1.533603>, 3 July 2013.

18. Ghasemi, Mostafa (2013). Shedding light on Annahda's performance in the post-revolution Tunisia, Tehran: *Andishe Sazan-e Noor Institute for Strategic Studies*, No 44, summer 2013. (in Persian)
19. Görmüş, Evrim (2015). "The Economic Ideology of the Egyptian Muslim Brotherhood: The Changing Discourses and Practices", Istanbul Bilgi University, İnönü Cad. No: 6 Kuştepe 34387 Şişli İstanbul, *Journal of Emerging Economies and Islamic Research*, www.jeeir.com
20. Habibi, Nader (2012). "The Economic Agendas and Expected Economic Policies of Islamists in Egypt and Tunisia", Available at: <http://www.brandeis.edu/crown/publications/meb/MEB67.pdf>. Also see, Adeel.
21. Jadaan, Fahmi (1978). *The foundations of progress among the thinkers of Islam*, Cairo: Dar El Shorouk, 1978. (in Persian)
22. Jalali, Reza (2012). An outlook of the relations between Turkey's Justice and Development Party and the military, *Studies of International Relation Journal*, Tehran: Azad University, No18, summer 2012. (in Persian)
23. Kalin, Ebrahim (2018). Reasons that drove Recep Tayyip Erdogan to success on June 24, 2018, presidential elections, Available at:
24. <http://www.trt.net.tr/persian/thlyl-w-gzrsh/2018/06/28/ll-pyrwzy-rjb-tyb-rdwn-dr-ntkhbt-24-jwy-n-1001999> (In Persian)
25. Khomehyar, Abbas (2011). *Iran and the Muslim Brotherhood: Reasons behind their convergence and divergence*, Tehran: Andishe Sazan-e Noor Institute for Strategic Studies. (in Persian)
26. Khani, Ali (2009). Legitimacy and efficiency in a political system, *Newspaper Resalat*, No 6873, 13 December 2009. (in Persian)
27. Khosravi, Behnam (2016). Examining the Turkish Justice and Development Party's ideology, *Newspaper Javan*, 2 August 2016. (in Persian)
28. Mahmoud, Mohammad (2016). The successful experience of growth of the Turkish Islamists, Translated by: Abdolkhalegh Ehsan, 1 August 2016, Available at: <http://akhlaqmarefat.com/?p=1100> (In Persian)
29. Malik (2013). "Islamic parties in North Africa and the Challenges of Economies in Transition", Available at: <http://www.iemed.org/observatori/arees-danalisi/arxiu-adjunts/anuari/iemed-2013/Malik%20Islamist%20Parties%20Economic%20Challenges%20EN.pdf>
30. Michel, Richard (2011). A demographic history of the Muslim Brotherhood from the beginning to date, Translated by: Seyed Hadi KhosrovShahi, Tehran: *Ministry of Foreign Affairs*, 2011. (In Persian)
31. Mirzaie, Hosein (2016). Annahda's ties to the foreign actors and its role in future revival or isolation of the Muslim Brotherhood, Tehran: *Andishe Sazan-e Noor Institute for Strategic Studies*, 9 November 2016. (In Persian)
32. Mohammadi, Fatemeh (2016). Muslim Brotherhood's influence on Turkish-Egyptian relations, 26 July 2016, Available at:
33. <https://www.mehrnews.com/news/3722741> (In Persian)

34. Mohtadi, Mohammadali (2013) the shadow of political share-seeking on the popular uprising, *Analytical Iranian Diplomacy site*, 24 February 2013. (In Persian)
35. Momeni, Qasem (2017). Erdogan signed into law a monopoly of political and security power, 11 February 2017, Available at:
36. <https://fa.shafaqna.com/news/326894/> (In Persian)
37. Muslim Brotherhood in Turkey (2017). Available at:
38. <https://www.counterextremism.com/content/muslim-brotherhood-turkey>
39. Nabavi, Abdolamir (2013). Investigating Egypt's home developments with an emphasis on the reasons behind President Mohamad Morsi's collapse. A special meeting's report, Tehran: *Islamic Parliament Research Center*, 10 July 2013. (In Persian)
40. Nabavi, Abdolamir, Ebrahimnia, Hosein (2015). Muslim Brotherhood and Annahda: Similar beliefs, different paths, winter 2016, *Journal Political Science*, No 29, 19 February 2015. (In Persian)
41. Nahda-election-program-final (2014), Available at:
42. <http://issuu.com/khaliamiri/docs/nahda-election-program-final>, 02/02/2014.
43. Natsios, Andrew (2012) "the Muslim Brotherhood and Egypt's Coming Economic Storm", Oct. 5, 2012, Available at:
44. <https://www.usnews.com/opinion/blogs/world-report/2012/10/05/egypt-the-muslim-brotherhood-and-economic-reality>
45. Obayshi, Natsuko (2011). "The Revolution In Tunisia: Economic Challenges and Prospects", Economic Brief., Available at:
46. [http://www.afdb.org/f\\_ileadmin\\_/uploads/afdb\\_/Documents\\_/Publications\\_/North%20Africa%20Quarterly%20Analytical%20Anglais%20ok\\_North%20Africa%20Quarterly%20Analytical.pdf](http://www.afdb.org/f_ileadmin_/uploads/afdb_/Documents_/Publications_/North%20Africa%20Quarterly%20Analytical%20Anglais%20ok_North%20Africa%20Quarterly%20Analytical.pdf)
47. Paciello, Maria (2011). "Tunisia: changes and Challenges of Political Transition", Available at: <http://www.ceps.eu/book/tunisia-changes-and-challenges-political-transition>
48. Pishgahifard, Zahra and others (2014). Enlightenment on the Muslim Brotherhood's territory-seeking policy in the Middle East, *Journal of Political Research in Islamic World*, Fourth Year, First Edition, Spring 2014, pp. 1-27. (in Persian)
49. Rached Ghannouchi: "Our dream is to harmonize Islam and modernity.", 12 November 2011, Available at: <http://eslahe.com/3246/> (in Persian)
50. Roy, Olivier (2011). "Where Were the Tunisian Islamists?", Available at: <https://www.nytimes.com/2011/01/22/opinion/22iht-edroy22.html>, JAN. 21, 2011
51. Rozna, James (2005). *Chaos in global politics*, Translated by Alireza Tayyeb, Tehran: Rozaneh, First edition. (in Persian)
52. Shakibaie, Mahdi (2011). The Turkish Justice and Development Party's dream of "Brotherhoodization", 16 August 2011, Available at:
53. <http://qudsonline.ir/news/5324/>. (in Persian)
54. Sheridan, Mary Beth (2011). "U.S. to expand relations with Muslim Brotherhood", Available at: <https://www.washingtonpost.com/world/national->

*security/us-to-expand-relations-with-muslim-brotherhood/2011/06/30/AGVgppsH\_story.html.*

55.Soltani, MohammadJavad (2014). The Tunisian economic indicators under Annahda-led government and their comparison to those of the last three years of the government of Zine El Abidine Ben Ali, Tehran: *Andishe Sazan-e Noor Institute for Strategic Studies*, spring 2014, No 249. (in Persian)

56.Syrian News Channel (*Al-Akhbariya al-Suriya*), 14 August 2012 (in Persian)

57.Tabnak Website (2013). A Muslim Brotherhood Member's response to Ali Akbar Velayati, 9 April 2013, Available at: <http://www.tabnak.ir/fa/news/312614>. (in Persian)

58.The Turkish plan for meddling in political and civilian affairs (2008). *Fars News Agency*, 17 December 2008. (In Persian)

59.Turkey Economic Outlook(2018), Available at: <https://www.focus-economics.com/countries/turkey>

60.Vaezi, Mahmoud (2008). Justice and Development Party's foreign policy; Tehran: The Strategic Studies Institute of Expediency Discernment Council, *the Foreign Policy Research Board*, 2008. (In Persian)

61.Zolfaqari, Seyed Mohammad (2011).A review of political Islam in Tunisia, *journal of regional research*, No 6, spring 2011, pp 15-51. (in Persian).